

نمایشی از

جلال

خداوند

مارک دور

نمایشی از

جلال خداوند

نویسنده: مارک دِور

مترجم: سیاوش احمدی

مارک دیور

Mark Dever

نمایشی از جلال خداوند

A Display of God's Glory

مترجم: سیاوش احمدی

ویراستار: الهام آذر

طراحی جلد: Rubner Durais

چاپ اول: ۲۰۲۵

نسخه اصلی: 9marks

info@9marks.org | www.9marks.org

9Marks ISBN: 979-8-89218-247-8

فانوس

نور انجیل برای سلامتِ کلیسا و خیریتِ جهان.

www.fanoos.world



فانوس

نور انجیل برای سلامتِ کلیسا
و خیریتِ جهان

فهرست مطالب

5.....	سخن مترجم
7.....	درباره کتاب
11.....	پیشگفتار
16.....	شمّاسان
33.....	ناظران (کشیش‌ها)
52.....	جماعت‌گرایی
70.....	عضویت
89.....	نتیجه‌گیری

تقدیم به:

کلیسای تعمیدی کپیتال هیل،
جماعتی که خداوند
در فیض محبت آمیز خود
مرا بدان فراخوانده
برای
فهمیدن، خدمت کردن و عشق ورزیدن.

سخن مترجم

ایرانیان در همان قرن اول بعد از میلاد مسیح با مسیحیت آشنا شدند، این موضوع به وضوح در تاریخ و همچنین در کتاب مقدس، به ویژه در «اعمال رسولان ۹: ۲»، قابل مشاهده است. اما با ورود اسلام به ایران و بعدتر با انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و مهاجرت بسیاری از مسیحیان آشوری و ارمنی، حضور مسیحیت در ایران کمرنگتر شد تا جایی که بسیاری از ایرانیان حتی از رفتن به کلیسا نیز منع شدند. این چالش‌ها و سختی‌ها باعث شد تا مسیحیت در ایران به صورت مخفیانه ادامه یابد.

در طی این سال‌ها ایرانیان خارج از کشور به‌طور آزادانه به کلیسا رفته و با مبانی مسیحیت آشنا شده‌اند اما درک نادرست از کتاب مقدس و مسیحیت، و به تبع آن درک نادرست از کلیسا، که عیسی مسیح آن را عروس خود خطاب کرده، موجب شده است تا برخی افراد با سوءاستفاده از این ناآگاهی به دنبال شهرت، ثروت یا منافع شخصی، کلیسا را به نحوی اداره کنند که مطابق با منافع خودشان باشد.

در متون مقدس به وضوح می‌بینیم که پس از دوران شاگردان مسیح، اداره کلیسا به پیران (مشایخ) و شماس‌ها سپرده شد. این روش، براساس ایده‌ی کشورهای غربی نیست، بلکه بنابر آنچه در کتاب مقدس دستور داده شده، شکل گرفته است. به همین دلیل، از شما خواننده‌ی گرانقدر می‌خواهم آیاتی که در متن و یا پاورقی ذکر شده است را با دقت مطالعه کنید تا بتوانید به درک صحیحی از این موضوع دست یابید.

بدیهی است در زبان فارسی، با تمام زیبایی و غنایش، گاه کلمات دقیقی برای واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی زبانی دیگر وجود ندارد. به همین دلیل، توضیحات مختصری در پاورقی‌ها برای برخی از این کلمات ارائه شده است. لازم به ذکر است برخی از کلمات به‌کار رفته در این متن ممکن است ناآشنا یا جدید باشد. لذا سعی بر این بوده است از کلمات و اصطلاحاتی استفاده شود که در کلام مقدس وجود دارد.

امید است ترجمه این اثر ارزشمند، کمکی باشد به جامعه مسیحی و کلیسای فارسی زبان، هر چند اندک اما مؤثر تا با استناد بر آن بتوانیم کلیساهایی مبتنی بر کلام مقدس داشته باشیم.

سیاوش احمدی

درباره کتاب

شاید دانستن دیدگاه افراد صاحب نظر در رابطه با این کتاب توجه ما را به اهمیت و ارزش آن بیشتر جلب کند .

دیدگاه‌ها:

یکی از مهمترین مسائلی که امروزه کلیساهای محلی با آن مواجه هستند، رهبری است. اگرچه کتاب‌های فراوانی وجود دارد که به شخصیت و کارآمدی رهبران می‌پردازند اما هنوز در مورد نقش، مسئولیت و اختیارات کشیش‌ها و رهبران، به‌ویژه با اشاره به سازماندهی و اداره کلیسا، سردرگمی‌های زیادی وجود دارد. این کتاب دکتر مارک دور را هر کشیش یا رهبر کلیسا که به دنبال رهبری کلیساهای سالم و مؤثر است، باید مطالعه کند. او در این کتاب به روشنی و با بصیرت؛ هم در مورد جنبه‌های الهیاتی و هم در مورد مسائل عملی مربوط به شیخان (بزرگان)، شماس‌ها، کشیش‌ها، رهبران و عضویت در چارچوب حاکمیت تاریخی کلیسای جماعت به اختصار صحبت می‌کند. دکتر مارک دور، واضح‌ترین روشی که تا به حال خوانده‌ام را در رابطه با سازماندهی و رهبری یک کلیسای سالم و مؤثر از نظر کتاب مقدس ارائه می‌دهد.

دکتر برد واگنر، نایب رئیس گروه انتشارات B&H

این کتاب «نمایشی از جلال خداوند» با رهنمودهای کتاب مقدس در مورد موضوعاتی صحبت می‌کند که امروزه در کلیساها نیاز زیادی به اصلاحات آنها وجود دارد. دلیل قوت این کتاب اساساً در تعهد آن به کتاب مقدس نهفته است، به‌ویژه این که در بسیاری از موارد نیاز به تأمل بیشتر و همین‌طور تغییر در رویه انجام آنها وجود دارد. مارک دور بسیار

مصمم از کتاب مقدس به عنوان نقطه شروع و راهنمای راه یاد می‌کند که بسیار چالش برانگیز است. این کتاب به درستی تصویری از حکمت و عمل در کلیسا را نشان می‌دهد که از تعهد ما به کفایت کتاب مقدس و اعتماد به نیکویی و حکمت خداوند سر چشمه می‌گیرد. در حال حاضر، تعداد ناکافی از روش‌های اصلاحی در مورد این موضوع از دیدگاه متفکرانه و کتاب مقدسی وجود دارد. در اینجا با رویکردی فشرده، متمرکز و یکپارچه روبه‌رو هستیم.

مایک بولمور، کشیش ارشد کلیسای جامعه کراس وی، کنوشا، ویسکانسین

بزرگترین فضیلت این کتاب، جمع‌آوری قدرتمند مارک دور از تمام شواهد کتاب مقدس است، هر فصل، راه را برای سیاست سالم کلیسا و خدمت شماس از دیدگاه کتاب مقدس مشخص می‌کند. همچنین کثرت بزرگان در جماعت‌گرایی کلی و همین‌طور اهمیت عضویت در کلیسا را نشان می‌دهد. برای کسانی که احساس کرده‌اند مشکلی در ساختار کلیسای آنها وجود دارد، این کتاب با یک رویکرد کتاب مقدسی راه را در جهت جلال خدا به آنها نشان می‌دهد.

جان همت، استاد الهیات، سمینار الهیاتی تعمیدی ساوت ایسترن (Southeastern Baptist Theological Seminary)

این اثر مارک دور برای آن دسته از رهبران کلیسایی است که به دنبال تسریع اصلاحات واقعی در کلیساهای خود هستند. این کتاب، پاسخ‌های روشنی بر اساس کتاب مقدس به سؤالات بسیاری که کشیش‌ها و رهبران به‌طور یکسان در مورد این مسائل مهم دارند ارائه می‌کند. ای کاش این کتاب در سال‌های اولیه خدمت شبانی‌ام در دسترس بود. این کتاب را به‌عنوان یکی از کتاب‌های مؤثر در سمینارهای خود در سراسر کشور توصیه خواهم کرد.

دونالد ویتنی، دانشیار تشکیلات معنوی- سمینار الهیاتی تعمیدی جنوبی (Southern Baptist Theological Seminary)

این کتاب، یک راهنمای مختصر و مفید است که نشان می‌دهد چگونه یک جماعت از ایمانداران، زندگی مشترک خود را تحت آموزه‌های مسیح بنا کرده‌اند. مارک دور از اصول کتاب مقدس و از طریق میراثی که کلیسای باپتیست (تعمیدی) برای ما به جا گذاشته استفاده می‌کند تا به خرد و توافق جمعی برسیم و بتوانیم از طریق زندگی میان یک اجتماع رو به رشد و پویا در کنار یکدیگر، خداوند را جلال دهیم. همه با تمام جزئیات این کتاب موافق نیستند، اما کسی که عهد جدید را جدی می‌گیرد، نمی‌تواند سؤالات مطرح شده در این کتاب را نادیده بگیرد.

تیموتی جورج، رئیس مدرسه الهیات بیسون، دانشگاه سمفورد

پیشگفتار

خدای نامرئی را چگونه می‌بینی؟

با نگاه کردن به کلیسای محلی.

چگونه؟ برای رسیدن به این پاسخ با من همراه شوید:

هنگامی که نخستین والدین ما (آدم و حوا) در باغ عدن گناه کردند، خدا را از دست دادند. ما مورد لعنت ناشی از گناه خود قرار گرفتیم و از حضور خداوند رانده شدیم.

بعد از سقوط انسان، در طول تاریخ تعداد بسیار اندکی از افراد با خداوند ملاقات کردند. مانند ملاقات موسی¹ و چند نمونه دیگر از این دست.

سپس مسیح آمد. عیسی مسیح به تو ما گفت: «هر که مرا ببیند، پدر را دیده است»². عیسی «او چهره‌ی دیدنی خدای نادیدنی است»³ عیسی واضح‌ترین تصویر خدای نامرئی برای ما در این جهان است. اما عیسی دیگر قابل مشاهده نیست، حداقل نه به معنایی که من و شما هستیم. او امروز قابل رؤیت با چشم فیزیکی نیست. ولی با این حال، یکی از متداول‌ترین تصاویر برای کلیسای محلی، «بدن مسیح» است. در کلیساست که روح خداوند - روح عیسی مسیح - حکومت و سلطنت می‌کند و در زندگی عاشقانه‌ای که ایمانداران با خداوند دارند، نمایان می‌شود. همان‌طور که پولس به افسسیان گفت: تصویر بزرگی ناشی از حکمت خدا در کلیسا ارائه می‌شود. هدف او این بوده است که اکنون از طریق

1 - خروج ۳۳ آیات ۱۸ الی ۲۳؛ عبرانیان ۱۱:۲۷

2 - یوحنا ۹:۱۴

3 - کولسیان ۱:۱۵

کلیسا، جنبه‌های گوناگون حکمت خدا بر فرمانروایان و صاحب منصبان در قلمروهای آسمانی آشکار گردد.⁴

این صرفاً طرح خداوند برای روز نهایی نیست که جماعتِ عظیم نجات یافتگان در برابر تخت خدا جمع خواهند شد.

امروز خداوند قصد دارد جلال خود را از طریق کلیسای محلی به نمایش بگذارد، زیرا مسیحیان با صبر، بخشش، عدالت، رحمت و عشق در کنار هم زندگی می‌کنند. ما شخصیت و ذاتِ خداوند را با زندگی اجتماعی جماعتِ خود منعکس می‌کنیم. بنابراین، هر جنبه‌ای از زندگی کلیسایی ما ارزش بررسی دقیق را دارد. حتی از جنبه سیاست و اداره آن!

یادم می‌آید در مقاله‌ای که در کلاس هشتم نوشتم از کلمه «اداره کردن» استفاده کردم و معلم انگلیسی بیست و چهار ساله‌ام این کلمه را به عنوان یک اشتباه املایی خط زد. با خوشحالی کودکانه فرهنگ لغت را نزد او بردم، آن را باز کردم و شروع کردم به خواندن: «سازمان ایجاد شده برای اداره امور، به ویژه امور عمومی، دولت مداری.» (تصور کنید گفتن این جمله برای بچه‌ای در سن و سال من چقدر می‌توانست دور از تصور باشد!) پس سیاست، مدیریت، سازمان، دولت، ساختارهای قدرت هستند.

ما به عنوان مسیحیان، در تلاش هستیم تا زندگی خود را بر اساس آموزه‌های کتاب مقدس بنا کنیم. بنابراین باید این سؤال مطرح شود که آیا کتاب مقدس به روشنی در مورد اداره یا سازماندهی کلیسا صحبت می‌کند یا خیر؟ اگر پاسخ مثبت است، کتاب مقدس چه چیزی را آموزش می‌دهد؟ البته، ما مسیحیان معتقدیم که کتاب مقدس برای موعظه، شاگرد سازی،

برای معنویت و شادی ما در پیروی از مسیح، برای رشد کلیسا و برای درک ما از بشارت کافی است. اما آیا مقصود کتاب مقدس این است که به ما بگوید چگونه باید زندگی خود را به عنوان مسیحیان در کلیساهایمان سازماندهی کنیم، یا اینکه ما را به حال خود رها کرده تا بهترین راه را خودمان پیدا کنیم؟ آیا مسائل مربوط به اداره کلیسا موضوع بی اهمیتی است؟ آیا موضوعی است که باید صرفاً براساس عمل گرایی، با هر آنچه به نظر می رسد کارها را بهبود می بخشد و از مشکلات جلوگیری می کند، تعیین شود؟

معتمد که خداوند در کلام خود هر آنچه ما برای دوست داشتن و خدمت به یکدیگر نیاز داریم را آشکار کرده است و این حتی شامل مواردی می شود که برای سازمان دهی و اداره کلیسا به آنها نیاز داریم. موضوع کفایت کتاب مقدس برای زندگی جماعت کلیسا پیشتر در اعتقادنامه کلیسای تعمیدی (بپتیست)⁵، جماعت گرایان پروتستان و بسیاری دیگر به وضوح ذکر شده است. درواقع پیش فرضی برای واعظان و رهبرانی است که خداوند آنها را برای موعظه و رهبری فراخوانده است. به زبان ساده تر، وقتی می گوئیم برنامه راهبردی کلیسا را می توان در صفحات عهدجدید یافت، این بدان معنا نیست که کارهای خودمان را درست فرض کنیم و سپس به دنبال راه هایی برای توجیه آنها در کتاب مقدس باشیم. در عوض، هدف ما باید این باشد که به کتاب مقدس نگاه کنیم، برخی از جنبه های اساسی ساختار و سازمانی که کلام خدا آموزش می دهد را بشناسیم و سپس کلیساهای خود را براساس آنها سازماندهی کنیم.

صفحات عهدجدید مملو از نمونه هایی از چگونگی ساختار کلیساهای مسیحیان اولیه است. در صفحات آن درمی یابیم که جلسات

5 - Baptist Church: کلیسای تعمیدی اعتقاد دارد که تعمید فقط برای ایمانداران است. بخش زیادی از تصمیم گیری های آنها از طریق رأی اعضای کلیسا صورت می گیرد.

مشارکتی⁶، انتخابات⁷، ناظران⁸، نمونه‌هایی از اعمال انضباط⁹، مشارکت‌ها¹⁰، ستایش نامه‌ها¹¹، احکام¹² و شرایط عضویت¹³ به وضوح وجود داشته است.

واضح است که خداوند در کلام خود به ما رهنمودهایی در مورد بسیاری از جنبه‌های زندگی و ساختار سازمانی کلیسا ارائه داده، چنین کاری از سوی خداوند واقعا شگفت انگیز است.

کلام خدا نه تنها برای زندگی فردی بلکه برای زندگی ما در کلیسا و نحوه سازماندهی کلیساهایمان نیز کافی است و ما را از دنبال کردن روش‌ها و متدهای دیگر می‌رهاند. امروزه، برخی از کشیشان احتمالاً فکر می‌کنند که گروه پرستش و خدمات جانبی کلیسا اولویت بیشتری نسبت به موعظه کلام دارد. ممکن است فکر کنند که بخش مدیا نقش مهم‌تری دارد و یا حتی بر عضویت تأکید ویژه‌ای داشته باشند. در صورتی که کلام خدا نحوه تفکر ما را در مورد کلیسا مجدداً تنظیم می‌کند. متوجه می‌شویم که کتاب مقدس، به روشنی موقعیت و موضع ما را تعیین می‌کند اگر چه در این موارد نیز اندکی انعطاف‌پذیری وجود دارد. یاد می‌گیریم که در کلیسا، موعظه و عضویت امری حیاتی است، درحالی که داشتن گروه‌های سرود و کمیته‌های مختلف از این اهمیت برخوردار نیستند.

جان ال. داگ¹⁴ در کتاب راهنمای نظم کلیسا می‌گوید:

-
- 6 - اعمال رسولان ۲۰:۷؛ عبرانیان ۱۰:۲۵
 - 7 - اعمال رسولان ۲۶-۲۳: ۱؛ ۶-۵:۶
 - 8 - فیلیپیان ۱:۱، اعمال رسولان ۲۰:۱۷، اعمال رسولان ۲۸
 - 9 - اول قرنتیان ۵
 - 10 - رومیان ۱۵:۲۶، اول قرنتیان ۱۶: ۱-۲
 - 11 - اعمال رسولان ۱۸:۲۷، دوم قرنتیان ۳:۱
 - 12 - اعمال رسولان ۲:۴۱، اول قرنتیان ۲۶-۲۳: ۱
 - 13 - متی ۲۸:۱۹، اعمال رسولان ۲:۴۷
 - 14 - Pastor John L. Dagg; 1794-1884

از نظر برخی، اعمال نظم و انضباط در کلیسا و تشریفات دینی، اهمیت کمتری نسبت به تولد دوباره (برگرفته از ایمان) دارد و از نظر برخی دیگر برعکس. اما براساس کتاب مقدس می‌دانیم که مسیح در زمینه نظم و انضباط دستوراتی داده است که نمی‌توانیم از آنها اطاعت نکنیم. عشق ما به مسیح باعث اطاعت می‌شود و قلب ما را تحریک می‌کند تا به دنبال اراده خداوند باشیم. پس بیایید مطالب پیش رو را با جدیت دنبال کنیم تا روح القدس، که هدایتگر ما به حقیقت واقعی است، ما را یاری دهد تا اراده او که بی‌نهایت دوستش داریم و می‌پرستیمش را درک کنیم.¹⁵

با درک این موضوع، بهتر است آموزه‌های کتاب مقدس را در چند جنبه اصلی در مورد رهبری کلیسا در نظر بگیریم. سؤالات زیادی را می‌توان در نظر گرفت، اما می‌خواهم بر چهار مورد از اساسی‌ترین مؤلفه‌های رهبری کلیسا که کتاب مقدس می‌آموزد تمرکز کنم: شماسان، بزرگان، جماعت و عضویت.

امیدوارم که خداوند از تلاش‌های ما برای کمک به درک بهتر مقاصدش استفاده کند.

در ویرایش سوم این کتاب تغییرات اندکی در متن صورت گرفته، اما ایده‌های اصلی کتاب به‌طور کامل حفظ شده است. این تغییرات بیشتر برای سهولت در خواندن، صفحه آرایی و قالب بندی جدید اعمال شده است. همین‌طور کوشیدیم تا از این فرصت در جهت بهبود این اثر استفاده کنیم.

شمّاسان

تعریف شمّاس

1. خدمت در دنیای عهدجدید
2. خدمت در کتابمقدس
3. تمایز بین شمّاسان و مشایخ

پیشینه تاریخی

1. کلیسای اولیه
2. وظایف شمّاس‌های اولیه کلیسا
3. کلیساهای رومی و یونانی
4. کلیسای لوتری
5. شمّاس در دوره اصلاحات کلیسا
6. کلیسای پرزبیتری
7. کلیساهای بابتیست و جماعتی

سه هدف برای شمّاس‌ها در اعمال ۶

1. نیازهای اولیه

2. ترویج وحدت

الف) هدف از هدایای معنوی

ب) پرهیز از کوچک اندیشی در مورد شمّاسان

3. حمایت از خدمتِ کلام:

الف) شمّاس‌ها مجلس دوم قانونگذاری نیستند

ب) شمّاسان هماهنگ کننده خدمات

صلاحیت شمّاسان

1. اول تیموتائوس ۳

2. زنان به‌عنوان شمّاس

خلاصه

فصل اول

شمّاسان

بیايید با یکی از آشناترین مناصب در کلیساهای محلی امروز یعنی شمّاس شروع کنیم . بسته به نوع کلیسایی که از آن آمده‌اید، «شمّاس» ممکن است تصویری از کارمندانِ موخاکستری بانک که در سالن‌های مجلل کلیسا پشت میزهای بلند و منبت‌کاری شده نشسته‌اند را تداعی کند. یا این کلمه می‌تواند خادمان جدی کلیسا را به یاد بیاورد که خدمات مبتنی بر نیاز، بشارت و یا حتی رسیدگی به امور روزانه شبانان (کشیشان) را هماهنگ می‌کنند. این چیزی است که امروزه در کلیساهای شمّاس‌ها می‌بینید.

شمّاس‌ها در کتاب مقدس چه کسانی هستند؟

تعریف «شمّاس»

دیدگاه و نوع نگرش دنیای عهدجدید به خدمتگزاری، شبیه دنیای امروزی ما بود. یونانی‌ها خدمت به دیگران را تحسین نمی‌کردند. در عوض، آنها در درجه اول شخصیت و مقام خود را بالاتر می‌دیدند و همیشه برای خود احترام بیشتری قائل بودند. در آن زمان، خدمت شمّاسی (دیاکونال) به دیگران به طرز تحقیرآمیزی به‌عنوان «نوکری» تلقی می‌شد.

با این حال، کتاب مقدس تعریفی کاملاً متفاوت از این منصب ارائه می‌دهد. در ترجمه‌های امروزی ما از عهدجدید، کلمه «دیاکونوس»¹⁶ معمولاً به‌عنوان «خدمتکار» و گاهی به‌عنوان «خادم» و در برخی موارد هم فقط به‌عنوان «شمّاس» ترجمه می‌شود. این آیات می‌توانند به خدمت به‌طور کلی اشاره کنند¹⁷ خصوصاً به حاکمان¹⁸، یا برای رسیدگی به نیازهای جسمانی¹⁹. در عهدجدید واضح است که زنان می‌توانند حداقل بخشی از این خدمت را انجام دهند²⁰. فرشتگان از این طریق خدمت می‌کنند²¹. گاهی اوقات هم به‌طور خاص به افرادی که آماده به خدمت هستند اشاره دارد.²²

اگرچه چنین خدمتی در جامعه یونانی تحقیر شده بود، عیسی مسیح به آن به گونه‌ای متفاوت نگاه می‌کرد.

Diakonos -16

17- مانند اعمال رسولان ۱:۱۷، ۱:۲۵، ۱۹:۲۲؛ رومیان ۱۲:۷؛ اول قرنتیان ۱۲:۵، ۱۶:۱۵؛ افسسیان ۴:۱۲؛ دوم تیموتائوس ۱:۱۸؛ فلیپون ۱:۱۳؛ عبرانیان ۱۰:۶؛ اول پطرس ۱:۱۰-۱۱؛ مکاشفه ۱۹:۲

18- رومیان ۱۳:۴

19- متی ۲۵:۴۴؛ اعمال رسولان ۱۱:۲۹، ۱۲:۲۵؛ رومیان ۱۵:۲۵، ۱۵:۳۱؛ دوم قرنتیان ۸:۴، ۱۹-۲۰، ۸:۱، ۹:۱-۱۳

20- متی ۸:۱۵؛ مرقس ۳:۱، لوقا ۴:۳۹؛ متی ۲۷:۵۵؛ مرقس ۱۵:۴۱، لوقا ۸:۳؛ لوقا ۱۰:۴۰؛ یوحنا ۱۲:۲؛ رومیان ۱۶:۱

21- متی ۴:۱۱؛ مرقس ۱:۱۳

22- متی ۲۲:۱۳؛ لوقا ۱۰:۴۰؛ یوحنا ۲:۵، ۲:۹؛ ۱۲:۲

در یوحنا ۲۶:۱۲ عیسی گفت: «هر که من را شَمّاس می‌خواند، باید از من پیروی کند و جایی که من هستم، شَمّاس من نیز خواهد بود. پدر من کسی را که من را شَمّاسی کند، گرامی خواهد داشت.» دوباره در متی ۲۶:۲۰ عیسی گفت: «هر که می‌خواهد بزرگ باشد، باید شَمّاس شما باشد.» و در متی ۱۱:۲۳ او گفت که «بزرگترین شما، شَمّاس شما خواهد بود»²⁴.

درواقع، عیسی حتی خود را به‌عنوان یک شَمّاس معرفی کرد²⁵. مسیحیان به‌عنوان شَمّاسان مسیح یا انجیل او معرفی می‌شوند. رسولان به‌عنوان شَمّاسان به تصویر کشیده می‌شوند²⁶ و پولس مرتباً به خود و کسانی که با او کار می‌کردند به‌عنوان شَمّاس اشاره می‌کند²⁷. او از خود به‌عنوان یک شَمّاس در میان غیر یهودیان یاد می‌کرد، گروه خاصی که او به‌طور ویژه برای خدمت به آنها فراخوانده شده بود.²⁸ پولس، تیموتائوس را شَمّاس مسیح می‌نامد²⁹ و پطرس می‌گوید که انبیای عهدعتیق برای ما مسیحیان شَمّاس بودند³⁰. فرشتگان را شَمّاس می‌نامند³¹، و حتی شیطان نیز شَمّاس‌های خود را دارد³².

همیشه باید مراقب باشیم که بین خدمت شَمّاس‌ها و خدمت مشایخ تمایز قائل شویم. به این معنا که، هم مشایخ و هم شَمّاس‌ها مشمول «خدمت کردن» هستند، اما این خدمت به دو شکل بسیار متفاوت است. در هفت آیه

23- مقایسه شود با مرقس ۹:۳۵

24- مقایسه شود با مرقس ۱۰:۴۳؛ لوقا ۲۷:۲۶-۲۲

25- متی ۲۰:۲۸؛ مرقس ۱۰:۴۵؛ لوقا ۲۷:۲۶-۲۲؛ مقایسه شود با یوحنا ۱۳:۱۳؛ لوقا ۳۷:۱۲؛ رومیان ۸:۱۵

26- اعمال رسولان ۱-۷:۶

27- مانند اعمال رسولان ۲۴:۲۰؛ اول قرنطیان ۳:۵؛ دوم قرنطیان ۳:۳، ۹:۶، ۳، ۱:۴، ۱۸:۵، ۴:۳-۶، ۱۱:۲۳؛ افسسیان ۳:۷؛ کولسیان ۱:۲۳؛ اول تیموتائوس ۱:۱۲؛ دوم تیموتائوس ۴:۱۱

28- اعمال رسولان ۱۹:۲۱؛ رومیان ۱۳:۱۱

29- به‌عنوان مثال، اول تیموتائوس ۴:۶؛ دوم تیموتائوس ۵:۴

30- اول پطرس ۱:۱۲

31- عبرانیان ۱:۱۴

32- دوم قرنطیان ۹:۶-۳؛ ۱۱:۱۵؛ غلاطیان ۲:۱۷

اول اعمال رسولان باب ششم، که به‌طور گذرا به آن نگاه خواهیم کرد، به نکته مهمی دست می‌یابیم که در آن تفاوت خدمتِ شمّاسان شامل بر شمّاس سنتی (خدمت‌گزار، خدمات فیزیکی) و خادمین کلام (که بعداً بزرگان یا مشایخ نامیده شدند) را به وضوح می‌بینیم. شمّاس‌هایی که در اعمال ۶ شرح داده شده‌اند، حداقل از لحاظ اداری بسیار شبیه خدمت‌گزاران کلیسا هستند. آنها باید به نیازهای فیزیکی کلیسا رسیدگی کنند. ایجاد یک گروه برای این خدمتِ خاص مهم است زیرا عدم انجام این کار می‌تواند منجر به این شود که این دو نوع خدمتِ شمّاسی - یعنی کلام (توسط بزرگان) و خدمت فیزیکی (توسط خادمین) - با یکدیگر اشتباه گرفته شوند و یا یکی از آنها فراموش شود. کلیساها در عین حال که نباید از موعظه کلام غافل شوند، همچنین نباید در مراقبت‌های عملی برای اعضا که به تقویت وحدتِ کلیسا کمک می‌کند کوتاهی کنند. هر دو خدمت در کلیسا مهم هستند. برای اطمینان از اینکه هر دو نوع خدمتِ شمّاسی در کلیساهای ما انجام می‌شود، باید خدمات شمّاس‌ها را از خدمت بزرگان متمایز کنیم.

پیشینه تاریخی

در زمان رسولان، وضعیت در کلیساها نسبتاً سیال بود، اگرچه فراوانی بزرگان و شمّاس‌ها تقریباً ثابت به نظر می‌رسید. بلافاصله پس از زمان عهدجدید، مناصب بزرگان و شمّاس‌ها به صورت کاملاً جداگانه ادامه یافت. نقش بزرگان بین اسقف‌ها و کشیشان متمایز شد اما شمّاس‌ها همچنان پس از اسقف‌ها و کشیشان در فهرست قرار می‌گرفتند و معمولاً به‌عنوان کسانی دیده می‌شدند که اساساً وظیفه کمک به اسقف‌ها یا ناظران را بر عهده داشتند. در کلیساهای اولیه، به نظر می‌رسد که این منصب مادام

العمر بوده است. با این حال، وظایف این منصب از مکانی به مکان دیگر متفاوت بود.

وظایف شماس‌ها از قرن دوم تا ششم:

- ❖ خواندن کتاب مقدس در کلیسا
- ❖ دریافت هدایا و نگهداری سوابق کسانی که هدیه داده‌اند.
- ❖ توزیع هدایا به اسقف‌ها، پیشتازان و خودشان؛ به زنان مجرد، زنان بیوه و به فقرا.
- ❖ توزیع عشای ربّانی.
- ❖ دعا کردن در اجتماعات و مشخص کردن افرادی که نمی‌توانستند در مراسم عشای ربّانی شرکت کنند و می‌بایست جلسه ایمانداران را ترک کنند.

همان‌طور که اسقف نشینی سلطنتی رواج پیدا کرد، به نوعی خدمات سلطنتی نیز در همان راستا شکل گرفت. با توسعه نقش اسقف، نقش شماس اعظم نیز افزایش یافت. شماس اعظم، شماس ارشد یک مکان (کلیسای خاص) بود که معاونت مسائل مادی را به عهده داشت. تعجب آور نیست که شماس اعظم در رُم اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد. کافی است بگوییم که سوءاستفاده‌ها شروع شد و شماس‌ها - به‌ویژه شماس‌های اعظم - کاملاً ثروتمند شدند. چقدر حقارت‌آمیز است، کسانی که قرار بود به دیگران خدمت کنند، از دیگران برای خدمت به خواسته‌های خود استفاده کردند. مراقبت از فقرا وسیله‌ای شد برای آنها تا از آن در جهت کسب اعتبار نزد خداوند به منظور کاهش زمان خود در برزخ استفاده کنند.

البته نفوذ شماس‌ها در قرون وسطی کاهش یافت. کلیسای ارتدکس شرقی همیشه خادمینی جداگانه برای خود نگه می‌داشت - افرادی غیر روحانی که در این مقام خدمت می‌کردند - با این وجود، در غرب، در

اواخر قرون وسطی، شمّاس بودن صرفاً به قدمی در مسیر منصوب شدن به عنوان کشیش تبدیل شده بود. شمّاس‌ها در کلیساهای کاتولیک رومی و کلیساهای اسقفی هنوز هم همین هستند، خادمان کارآموزی که قبل از تبدیل شدن به کشیش تمام عیار به مدت یک سال به عنوان شمّاس خدمت می‌کنند. با این حال، شورای دوم واتیکان امکان وجود یک شمّاس متفاوت، دائمی و مبتنی بر کتاب مقدس را در کلیسای کاتولیک روم دوباره فراهم کرد.

لوتر مسئولیت کلیسا در قبال نظارت بر نیازهای کلیسا و به‌ویژه مراقبت از فقرا را پس گرفت. اگرچه کلیساهای لوتری نتوانستند ایده شمّاس عهدجدید را باز یابند. امروزه در کلیساهای لوتری، روش‌ها متفاوت است. در برخی کلیساهای شمّاس‌ها بدون انتصاب هستند، اما در جاهای دیگر، هر دستیار منصوب شده را می‌توان شمّاس نامید، به‌ویژه آنهایی که مسئولیت مراقبت شبانی و بشارت دارند.

در دوره اصلاحات در بسیاری از کلیساهای پروتستان انجیلی، داشتن شمّاس‌های متمایز از بزرگان یا کشیش‌ها بر پایه کتاب مقدس به رسمیت شناخته شد. در آن زمان، برخی از پروتستان‌ها، مانند مارتین بوسر در کمبریج اصرار داشتند که وظایف شمّاس‌ها باید دوباره برقرار شود. آنها می‌گفتند که در هر کلیسا، شمّاس‌ها باید بین فقرای مستحق و غیرمستحق تمایز قائل شوند، آنها می‌بایست به‌طور منظم تحقیق کنند و بعد از بررسی و رسیدگی، بی‌سر و صدا به نیازهای مستحقان بپردازند و گروه سودجویان از کلیسا را بیرون کنند. آنها همچنین باید رسید مبالغی که اعضای کلیسا می‌دهند را حفظ کنند.

در کلیسای پرنسبیتری، شمّاس‌ها کسانی هستند که مسئول صدقات کلیسا هستند و از فقرا و بیماران مراقبت می‌کنند (اگرچه استدلال می‌شود که این وظایف عمدتاً توسط دولت انجام می‌گیرد) شمّاس‌ها قسمتی جدا از

بزرگانِ کلیسا ولی مسئول در برابر آنها هستند. زمانی بسیاری از کلیساهای تعمیدی و جماعتی به این ترتیب سازماندهی شدند. برخی هنوز هم به همین ترتیب برنامه‌ریزی می‌شوند و اکثر آنها حداقل تا حدی این ساختار را حفظ کرده‌اند.

با این حال، در بسیاری از کلیساهای تعمیدی و جماعتی، برخی از مسائل روحانی به‌طور قطعی به شماس‌ها اختصاص داده شده است. آنها به طرق مختلف به‌ویژه در توزیع عشاء ربّانی و یا به‌عنوان هیئت اجرایی و مالی در امور کلیسا به کشیش کمک می‌کنند خصوصاً در جماعتی که هیئت بزرگان ندارند. شماس‌ها اغلب به‌طور فعال برای مدت زمان محدودی خدمت می‌کنند. اگرچه به رسمیت شناختن یک فرد به‌عنوان شماس معمولاً دائمی در نظر گرفته می‌شود.

این شیوه‌ای است که مسیحیان تا به امروز این کار را انجام داده‌اند. اما آیا کتاب مقدس کلامی دارد که با آن اعمال خود را اصلاح کنیم؟

سه هدف شمّاس‌ها در اعمال ۶

همان‌طور که دیدیم، کلمه «دیاکونوس» بارها در عهدجدید آمده است. با این حال، شاید واضح‌ترین تصویر در مورد خدمت آنها از اعمال رسولان باب ۶ باشد، جایی که فکر می‌کنیم اولین شمّاس‌ها انتخاب شدند. با استناد به آن روایت، کشیش کلیسای محلی ما بادی‌گری³³. به من کمک کرد تا سه جنبه از خدمات شمّاس‌ها را در میان جماعت کلیسای خودمان ببینم.

ابتدا، شمّاس‌ها باید به نیازهای فیزیکی کلیسا رسیدگی کنند. (اعمال رسولان ۶:۱) برخی از مسیحیان «در توزیع روزانه غذا نادیده گرفته می‌شدند.» همان‌طور که گفته شد ریشه کلمه شمّاس به معنای خادم یا خدمتکار است و مخصوصاً در آن زمان به پیشخدمت‌ها یا به کسانی اطلاق می‌شد که خدمات فیزیکی یا مالی انجام می‌دادند. در اعمال رسولان ۶:۲ رسولان این خدمت را به‌عنوان «پیشخدمتی» یا به معنای واقعی کلمه «شمّاسی فیزیکی» توصیف کردند. اولین جنبه از خدمت یک شمّاس رفع نیازهای اولیه است. توجه به این نکته مهم است که شمّاس‌ها در اعمال رسولان باب ۶ احتمالاً شخصاً تمام کار را انجام نداده‌اند. در عوض، این چند شمّاس بسیاری از مسیحیان دیگر را در کلیسا سازماندهی کردند تا مطمئن شوند که توزیع به درستی انجام می‌شود. مراقبت از مردم، به‌ویژه مسیحیان و به خصوص برای اعضای کلیسای خود از وظایف اصلی آنهاست.

توجه به نیازها و مراقبت از مردم به سه دلیل مهم است: رسیدگی به رفاه جسمانی، برآوردن نیازهای معنوی افراد و همین‌طور برای محبت ورزیدن به کسانی که بیرون از کلیسا هستند. عیسی در یوحنا باب ۱۳ می‌گوید: «محبت شما به یکدیگر، به جهان ثابت خواهد کرد که شما

شاگردان من هستید.» مراقبت فیزیکی ارائه شده در این قسمت دقیقاً همان عشق مسیح گونه را نشان می‌دهد.

با این حال، در ورای این مطلب می‌بینیم که هدف، فقط کمک به نیازمندان نیست، بلکه هدف، وحدت تمام بدن مسیح (کلیسا) به عنوان یک تمامیت است. این دومین جنبه از نوع خدمت شماس است که بر وحدت بدن (کلیسا) متمرکز است و در اعمال رسولان ۶ دیده می‌شود.

با نگرشی انتزاعی‌تر به این بخش از اعمال رسولان می‌توان پرسید: «شماس‌ها در مراقبت از این بیوه‌ها، واقعاً چه می‌کردند؟» آنها در تلاش بودند تا توزیع غذای عادلانه‌تری بین زنان بیوه انجام دهند. این درست است، اما چرا مهم بود؟ زیرا این غفلت جسمانی باعث از بین رفتن یکپارچگی روحی در بدن (کلیسا) شده بود. این متن در ۱: ۶ این گونه آغاز می‌شود: «با افزایش تعداد ایمانداران، شکایت‌ها در میان ایشان به وجود آمد. کسانی که یونانی زبان بودند، گله داشتند که میان بیوه زنان ایشان و بیوه زنان عبری زبان، تبعیض قائل می‌شوند و به اینان به اندازه آنان خوراک نمی‌دهند.» گروهی از مسیحیان شروع به شکایت از گروهی دیگر کردند. به نظر می‌رسد این همان چیزی است که توجه رسولان را جلب کرد. آنها صرفاً در تلاش برای اصلاح مشکلی در روند خدمت خیرخواهانه کلیسا نبودند. آنها در تلاش بودند تا مانع از هم‌گسیختگی وحدت کلیسا شوند، آن هم به روشی بسیار خطرناک، آنها در راستای خطوط سنتی، به تقسیم بندی فرهنگی روی آوردند. اینجا بود که شماس‌ها برای جلوگیری از اختلاف در کلیسا، منصوب شدند.

درواقع، این هدف برای همه هدایایی است که روح خدا به کلیسای خود می‌دهد، یعنی ساختن و تشویق کردن یکدیگر در کلیسا³⁴. پولس به

قرنّتیان می‌گویند که هدایای خدا «برای مصلحت عمومی» است.³⁵ او به مسیحیان اولیه توصیه می‌کند: «از آنجایی که مشتاق دریافت عطایای روحانی هستید، سعی کنید در هدایایی که کلیسا را می‌سازد، برتری داشته باشید.»³⁶ بنابراین پولس در اول قرنّتیان می‌گوید: «همه چیز باید برای تقویت انجام شود.»³⁷ همان‌طور که جان کالوین در اظهار نظر در مورد اول قرنّتیان ۱۴:۲۶ می‌گوید: «هر چه یک شخص بیشتر مشتاق باشد که خود را وقف سازندگی کند، پولس آرزو می‌کند که بیشتر مورد لطف قرار گیرد.» بنابراین پطرس نوشت: «هرکس باید از هر هدیه‌ای که دریافت کرده است برای خدمت به دیگران استفاده کند و فیض خدا را به کار گیرد»³⁸.

همان‌طور که در اعمال ۶ می‌بینیم، ایجاد وحدت در کلیسا خدمت ویژه شمّاس است. بنابراین، این امکان وجود ندارد که شمّاس‌ها از کلیسای خود ناراضی باشند و بتوانند به خوبی به آن کلیسا خدمت کنند. شمّاس‌ها افرادی نیستند که دائماً شکایت کنند یا کلیسا را با اعمال یا نگرش خود به هم بریزند، بلکه کاملاً برعکس، شمّاس‌ها باید آرامش‌بخش و کاهش‌دهنده درگیری‌ها باشند.

بنابراین، در میان کسانی که در کلیسا به‌عنوان شمّاس خدمت می‌کنند، نباید کوتاه فکری وجود داشته باشد. اعضای که فقط به فکر خدمت خاص خود هستند و اجازه هیچ انتقاد یا پیشنهادی را نمی‌دهند، نمی‌توانند گزینه خوبی برای منصب شمّاسی باشند. شمّاس‌ها، نمایندگان مجلس یا لابی‌گرهای مجزا نیستند. در عوض، آنها باید از بطن کلیسا برای خدمت به نیازهای خاص بیایند، با همان احساس مهربانی و عطوفتی که به سلامت کلیسا کمک می‌کند. حتی بیشتر، آنها باید بتوانند به دیگران هم

35- اول قرنّتیان ۷-۴: ۱۲

36- اول قرنّتیان ۱۲: ۱۲

37- اول قرنّتیان ۱۴: ۲۶

38- اول پطرس ۴: ۱۰

کمک کنند تا این خدمت خاص را به عنوان بخشی از اتحاد و تربیت کلیسا به عنوان یک کل درک کنند. آنها سازندگانی هستند که به ما کمک می‌کنند تا با مهربانی و محبت به یکدیگر ببینیم.

این مردان در اعمال رسولان ۶:۳ برای حمایت از خدمت کلام منصوب شدند. به نظر می‌رسد که رسولان تصدیق می‌کنند که رسیدگی به نیازهای جسمانی مسئولیتی بود که کلیسا و بنابر این به نوعی خود آنها بر عهده داشتند. اما گفتند که این مسئولیت را به گروه دیگری در کلیسا واگذار خواهند کرد. بدین ترتیب، این شماس‌ها نه تنها به کلیسا به‌طور کلی کمک می‌کردند، بلکه با این کار به حمایت از رسولان (بزرگان) که وظایف اصلی آنها در جای دیگری بود نیز یاری می‌رساندند.

بنابر این شماس‌ها یک موضع قدرت جداگانه در کلیسا نبودند. آنها مجلس دوم قانونگذار هم نبودند که از طریق آن لوایح تصویب می‌شد. آنها خدمتگزارانی بودند که با کمک به مسئولیت‌هایی که معلمان اصلی نمی‌توانستند انجام دهند، به کلیسا خدمت می‌کردند. شماس‌ها از معلمین کلام خدا در راه خدمت خود حمایت می‌کردند. آنها اساساً مشوق و پشتیبان بزرگان کلیسا بودند. اگر این چنین است، پس باید حامی‌ترین افراد در کلیسا به عنوان شماس به کلیسا خدمت کنند. ما باید به دنبال تشویق آنها باشیم تا مردم، بیشتر از خدمات آنها برکت بگیرند.

در کلیسای واشنگتن دی سی، ما شماس‌ها را نه به عنوان یک هیئت مشورتی، بلکه به عنوان افرادی در کلیسای خود می‌شناسیم که خدمات خاص مورد نیاز کلیسا را هماهنگ می‌کنند. آنچه ما امیدواریم و برای آن دعا می‌کنیم این است که هر یک از کسانی که به عنوان شماس خدمت می‌کنند، در نهایت کمک و خدمت آنها به جلال دادن نام خداوند بیانجامد. ما یک شماس داریم که بر خدمات مهمان نوازی نظارت می‌کند، شماس دیگری در امور وبسایت و پلتفرم‌های اجتماعی کمک می‌کند، و دیگری،

سیستم صوتی ما را مدیریت می‌کند. و نیز شمّاسی که برای مراقبت از اعضا در کلیسا با ما همکاری دارد. در کلیسا هفده شمّاس داریم که در مناصب شمّاسی مختلف خدمت می‌کنند. ما همیشه در حال تغییر و یا حذف مواردی از خدمات شمّاسی هستیم که کلیسا دیگر به آنها نیاز ندارد و به همین شکل در حال تقسیم مواردی هستیم که می‌توان آنها را به دو یا سه شخص واگذار کرد تا بتوان نتیجه بهتری گرفت و سنگینی خدمت را کمتر کرد.

امیدواریم که شمّاسان، بهترین گزینه برای تشخیص مهارت و استعداد در بخش منابع انسانی در کلیسا باشند. امیدواریم همان‌طور که آنها همواره برای کلیسا و اعضای آن در دعا هستند، با اعضای کلیسا آشنا شوند و بررسی کنند که چگونه می‌توانند خدمت مورد نیاز کلیسا را به‌طور کلی پیش ببرند. می‌دانیم خدماتی که آنها برای ما انجام می‌دهند پرهزینه است. آنها باید اهمیت و موقعیت خدمت اصلی خود در کلیسا را به درستی درک کنند. چه برکت بزرگی هستند این چنین خدمتکارانی که روحیه خدمتگزاری را در برادران و خواهران دیگر پرورش می‌دهند و به آنها می‌آموزند که چگونه با در نظر گرفتن نیازهای کلیسا در خدمت آن باشند. شمّاس‌ها از طریق فعالیت و خلاقیت خود، کلیسای ما را برای مدت بسیار طولانی‌تر از آن که منصب خود را بر عهده دارند، برکت خواهند داد.

صلاحیت شمّاسان

در اول تیموتائوس ۱۳-۸: ۳ پولس به تیموتائوس، کشیش کلیسای افسس، می‌گوید که شمّاس‌ها چگونه باید باشند. با ترکیب ویژگی‌های ذکر شده در آنجا با ویژگی‌های کسانی که در اعمال رسولان ۶ انتخاب شده‌اند، قطعاً می‌توان گفت، کسانی که به‌عنوان شمّاس به ما خدمت می‌کنند باید سرشار

از روح القدس باشند (زیرا اگرچه به نیازهای روزمره توجه دارند، اما روح خدمت آنها قطعاً روح القدس است) این شماس‌ها را باید سرشار از خرد دانست. آنها باید توسط جمعی از ایمانداران و با اطمینان کامل انتخاب شوند. آنها باید با کمال میل و با پشتکار مسئولیت نیازهای خاصی را که برای خدمت آنها در نظر گرفته شده است به عهده گیرند. به همین شکل، شماسان که دستیاران ناظران کلیسا هستند، باید اشخاصی محترم و موقر باشند. باید از ریاکاری و دورویی دوری کنند، و از افراط در شراب‌خواری پرهیزند، و در پی منافع مالی نامشروع نباشند؛ بلکه باید به حقایق عمیق ایمان متعهد باشند، و با وجدانی آسوده زندگی کنند. اما پیش از آنکه کسی به مقام شماسی گمارده شود، اول باید وظایف دیگری در کلیسا به او محول شود، تا خصوصیات و توانایی‌های او آزموده شود. اگر از عهده انجام وظایفش به خوبی برآمد، آنگاه او را می‌توان به شماسی منصوب کرد. همسران ایشان نیز باید محترم و باوقار باشند و درباره دیگران بدگویی نکنند، بلکه خویشتندار بوده، در هر امری قابل اعتماد باشند. شماس باید فقط یک زن داشته باشد و نسبت به او وفادار و سرپرست خوبی برای خانواده خود باشد. شماسانی که خوب خدمت کنند، اجر خوبی به دست خواهند آورد، زیرا هم مورد احترام مردم خواهند بود و هم ایمان و اعتمادشان به مسیح عیسی نیرومندتر خواهد گردید.

اینکه به شماس‌ها دستور داده شده که «شوهر یک زن» باشند، مانع از خدمت زنان در مناصب شماسی نمی‌شود. مثال فیبی در نامه به رومیان³⁹، نمونه‌ای از به‌کارگیری این عنوان برای یک زن است. استفاده از کلمه «شماس» در قسمت‌های دیگر کتاب مقدس برای زنان باعث شد که کلیساهای تعمیدی با خشنودی و رضایت کامل، زنان را به‌عنوان شماس به‌کارگیرند. با این حال، به دلیل اینکه دراول تیموتائوس^۲ و در نمایی بزرگتر در کتاب مقدس در مورد رهبری مردان صحبت شده است،

39- رومیان ۱: ۶، خواهران فیبی را که از خادمان کلیسای شهر کنخریه است به شما معرفی می‌کنم.

بسیاری از کلیساها از به رسمیت شناختن زنان به عنوان شمّاس به دلیل عدم رعایت تمایز در منصب آنها با مقام بزرگان صرف نظر کردند (البته همان طور که شمّاس های زن در بسیاری از کلیساهای امروزی مشغول به خدمت هستند) بسیار واضح است که خدمت بزرگان (مشایخ) خدمتی برای آقایان است. لذا از این موقعیت می توان استفاده کرد تا از زنانی که میل به خدمت در کلیسا دارند، به عنوان شمّاس بهره برد.

خلاصه

به طور خلاصه، به نظر می رسد عهد جدید سه جنبه خدمت شمّاس را که در اعمال رسولان ۶ ذکر کرده ایم، گردهم می آورد: مراقبت از نیازهای فیزیکی تا ایجاد اتحاد در بدن (کلیسا) تحت خدمت کلام. شمّاس ها باید از خدمت بزرگان حمایت کنند، بدن را متحد کنند و از نیازمندان مراقبت کنند. آنها باید مشوق، صلح طلب و خدمتگزار باشند. همان طور که دیتریش بونهوفر گفت: «کلیسا به شخصیت های درخشان نیاز ندارد، بلکه به خدمتکاران وفادار به عیسی و برادران نیاز دارد.»⁴⁰

ناظران (کشیش‌ها)

کثرت ناظران

شرایط لازم برای ناظر:

1. زنان نباید ناظر شوند
2. اول تیموتائوس ۳
3. نقطه رهبری در کلیسا
4. یافتن رهبران خداپسند در کلیساهای ما

بررسی اجمالی تاریخی:

1. کلمات اصلی برای «پیر»
2. کلیسای پرزبیتترین و ناظران
3. کلیسای تعمیدی و ناظران

ناظران و کارکنان کلیسا

ناظران و شماس‌ها:

1. شباهت در صلاحیت‌ها
2. ریشه تمایز، اعمال ۶
3. تدریس و اختیار

ناظران و کشیش:

1. کشیش در عهدجدید
2. مختصری از نقش شبانی:
الف) نقل مکان کشیشان
ب) حمایت کامل توسط کلیسا
ج) نامه اختصاصی پولس به تیموتائوس
د) عیسی به «پیام‌آور کلیسا» نوشت
3. کشیش به‌عنوان ناظر

ناظران و کلیسا

1. پنج ویژگی :
الف) تشخیص صلاحیت
ب) اعتماد قلبی
ج) خداپرستی
د) دقت خالصانه
ه) نتایج سودمند
2. احترام به کشیش‌ها

موهبت اقتدار

فصل دوم

ناظران

به همان اندازه که شماس‌ها مهم هستند، خدمت گروه دیگری به نام بزرگان نیز برای کلیسا ضروری و حیاتی است.⁴¹

کثرت ناظران

اولین چیزی که باید در مورد بزرگان یک کلیسای محلی توجه کنیم این است که آنها گروهی از بزرگان هستند. اگرچه تعداد مشخصی از مشایخ (بزرگان) برای یک جماعت خاص هرگز ذکر نشده است، اما عهدجدید به‌طور مرتب به صورت جمع از این کلمه استفاده می‌کند.⁴² بزرگان اسرائیل که می‌بینیم در سراسر اناجیل و اعمال رسولان به آنها اشاره می‌شود جمع هستند. بزرگان در بهشت به صورت جمع هستند.⁴³ در

41- کلماتی همچون ناظران، بزرگان، مشایخ، پیران، شبانان، رهبران کلیسا و کشیشان در عهدجدید به یک منصب واحد اشاره می‌کنند. هدف نویسندگان عهدجدید از بکارگیری کلمات مختلف، نشان دادن وظایف اصلی مختلف یک کشیش است. مترجم

42- اعمال رسولان ۱۶:۴؛ ۲۰:۱۷؛ ۲۱: ۱۸؛ تیطوس ۵:۱؛ یعقوب ۱۴:۵

43- مکاشفه ۱۴:۵؛ ۱۶:۱۱؛ ۱۹:۴

اعمال رسولان ۱۱:۳۰ پیران، جمع هستند. در اعمال رسولان⁴⁴ می‌خوانیم: «آنها در آن شهر (دربه) بشارت دادند و تعداد زیادی شاگرد به‌دست آوردند. سپس به لستره، آیکونیوم و انطاکیه بازگشتند و شاگردان را تقویت کردند و آنها را تشویق کردند که به ایمان وفادار بمانند.... پولس و برنابا در هر کلیسا برای آنها بزرگانی تعیین کردند (یا انتخاب کرده بودند) و با دعا و روزه آنها را به خداوندی که بر او توکل کرده بودند، سپردند.» اگر به اعمال ۱۵ نگاه کنید، در آیات ۲، ۴، ۶، ۲۲ و ۲۳ متوجه می‌شوید که جمع بزرگان وجود دارد. در اعمال رسولان ۱۶:۴ کلمه پیر به صورت جمع آمده است. در اعمال رسولان⁴⁵ می‌خوانیم که پولس مشایخ کلیسای افسس را نزد خود خواند. در اعمال رسولان ۲۱:۲۸ و در اول تیموتائوس ۴:۱۴ و ۵:۱۷ نیز این موارد مشاهده می‌شود.

پولس می‌گوید: «دلیل اینکه شما را در کِرت ترک کردم این بود که آنچه را ناتمام مانده است درست کنید و در هر شهر بزرگانی تعیین کنید»⁴⁶. در یعقوب ۵:۱۴، بزرگان (به‌شکل جمع) کلیسای محلی (به‌شکل مفرد) را مجسم می‌کند که برای دعا با کسی که بیمار است بیایند. در اول پطرس ۵:۱، پطرس به بزرگان این مسیحیان متوسل می‌شود. در واقع، تنها استثنایها در نامه دوم و سوم یوحنا هستند، جایی که نویسنده به سادگی خود را به‌عنوان «پیر» معرفی می‌کند، و در اول تیموتائوس ۵، آنچه در مورد اعمال قانون در کلیسا در مورد اتهام به یکی از ناظران باید انجام دهیم، مشاهده می‌شود. اما اساساً، تصویری که در عهدجدید وجود دارد این است که معمولاً در کلیسای محلی هیئتی از بزرگان وجود دارد، نه صرفاً یک پیر.

44- اعمال رسولان ۲۳-۲۱:۱۴

45- اعمال رسولان ۲۰:۱۷

46- تیتوس ۱:۵

شرایط لازم برای ناظر

ناظر چه کسی است؟ صلاحیت او چگونه باید باشد؟

شرایط یک پیر به وضوح در کتاب مقدس در اول تیموتائوس ۳ و در تیطوس ۱ بیان شده است.

با این حال، قبل از اینکه به اول تیموتائوس ۳ بپردازیم، باید به موضوع مهمی که در اول تیموتائوس ۲ مطرح شده توجه کنیم. اینکه خواست خدا برای زنان نیست که به عنوان پیران خدمت کنند. در حالی که سؤالات زیادی در مورد یک عبارت مبهم در اول تیموتائوس ۲ مطرح شده است، همیشه امن تر است که با بخش های واضح کتاب مقدس شروع کنیم و دعا کنیم که خداوند به جای شک در قسمت های واضح به دلیل حضور، بر قسمت های مبهم تر نور افکند. آنچه در اول تیموتائوس ۲ مشخص است این است که زن نباید به مرد تعلیم دهد یا بر مرد اقتدار داشته باشد. آنچه که پولس دقیقاً قصد داشت از آن به عنوان موضوعی نامناسب یاد کند، به وضوح شامل تدریس زنان می شود. رویه کلیسای اولیه این بود که اقتدار شوهر بر زن در عملکرد کلیسا نیز منعکس شود. واضح است که در مسیح نه مرد و نه زن وجود دارد، اما این به معنای از بین بردن تمام تمایزات بین جنسیت نیست، بلکه صرفاً تأیید فیض شگفت انگیز بی طرف خدا در نجات است.⁴⁷

با توجه به آن، بیایید به فهرست اول تیموتائوس ۳، نگاه کنیم. چند دقیقه وقت بگذارید و اول تیموتائوس ۷-۱: ۳، را بخوانید. دی. ای. کارسون⁴⁸ یک بار اشاره کرد که این فهرست از ویژگی ها به دلیل اینکه

47- غلاطیان ۳: ۲۸

48- D. A. Carson، پروفیسور عهد جدید در مدرسه الهیات انجیلی ترینیتی، مترجم

اصلاً قابل توجه نیستند، قابل توجه است. منظور او این است که همه‌ی این ویژگی‌ها در جای دیگری از کتاب مقدس است که به همه‌ی مسیحیان سفارش شده است. مشخصاً همه‌ی آنها، به جز توانایی تعلیم (اول تیموتائوس 3:2) در حالی که تعلیم کتاب مقدس در مورد شخصیت یک ناظر (کشیش) در اینجا کافی است. فکر نمی‌کنم که پولس ادعا کرده باشد که این فهرست فقط ویژه کشیش کلیسا است. در عوض، هدف او فهرست کردن ویژگی‌هایی بود که عموماً حتی توسط فرهنگ آن زمان به عنوان فضیلت شناخته می‌شدند.

هدف رهبری در کلیسا این است که ستایش و جلال بخشیدن به خداوند باعث رساندن حقیقت به بی‌ایمانان شود. به همین دلیل، پولس به خاطر رفتن به دادگاه سکولار علیه یکدیگر و اجازه ارتباط با کلیسا به کسانی که آشکارا زندگی غیر خدایی دارند، از کلیسای قرن‌تین بسیار خشمگین شد. زیرا هر دو مورد باعث تضعیف انجیل می‌شود. بنابراین، در نامه اول پولس به تیموتائوس، بی‌دینی آشکار برخی از معلمان دروغین در کلیسای افسس، تمامی راه جلال یافتن خدا از طریق کلیسا را از بین می‌برد! کلیسایی که وظیفه آن اعلام خبر خوش انجیل (بخشش و امید) است، همان چیزی را که موجب تغییر گناهکاران می‌شود. فهرست فضایی که پولس در اول تیموتائوس ۳، یا تیطوس ۱، ارائه می‌دهد، همه فضیلت‌هایی هستند که یک مسیحی باید از خود نشان دهد. این فضیلت‌ها در رهبران کلیسا، موجب تجلی انجیل از سوی مخاطبان می‌شود.

خواندن منظم کتاب مقدس خوب است و دعا لازم است، اما پولس در اینجا به هیچ کدام اشاره نمی‌کند. با این وجود من هر دوی این فضیلت‌ها را برای یک کشیش مهم می‌دانم. در جای دیگری از کتاب مقدس آموزش داده شده است که آنها باید قوه تشخیص ایمان واقعی در بین جماعت داشته باشند. من فکر می‌کنم هدف پولس در اینجا تأکید دو چندان

بر فضایی مانند خوش حسابی، شاد بودن، فروتنی و کمک کردن به فقرا و در کل مفاهیمی بود که حتی بت پرستان نیز با آنها آشنایی داشتند.

چگونه چنین رهبرانی را در کلیساهای خود پیدا می‌کنیم؟

برای داشتن حکمت الهی، دعا و مطالعه کلام مقدس نیاز است. به‌ویژه آن قسمت‌هایی از نامه اول تیموتائوس و تیطوس که به وضوح در مورد شرایط چنین مسئولیتی آموزش می‌دهند. ما نباید در انتخاب رهبران خود از استانداردهای جهانی پیروی کنیم. نباید از کلیساهایی تقلید کنیم که به سادگی افرادی را انتخاب می‌کنند و سپس آنها را به رهبری کلیسا می‌گمارند. اوس گینس، نویسنده و سخنران مسیحی برجسته، اظهار نظر جالبی دارد، او می‌گوید: «هر وقت با یک رهبر بودایی ملاقات می‌کنم، با یک مرد مقدس ملاقات می‌کنم. هرگاه با یک رهبر مسیحی ملاقات می‌کنم، با یک مدیر ملاقات می‌کنم».⁴⁹

به جای این، ما باید به دنبال آن دسته از مردانی باشیم که دارای شخصیت، شهرت، توانایی اداره کلام و ثمربخشی هستند که نشانگر یک رهبر خوب در کلیساست. شخصیت این رهبران کلیسا نه برای خودشان، بلکه برای دیگران ساخته می‌شود. بنابراین، آنها نباید عاشق پول باشند، بلکه باید عاشق غریبه‌ها باشند (این همان معنای واقعی کلمه مهمان‌نواز

است) این‌چنین، تمرکز رهبران واقعی کلیسا همواره بر روی خیر و برکت دیگران خواهد بود.

بررسی اجمالی تاریخی

همه کلیساهای دارای افرادی بوده‌اند که وظایف بزرگان را انجام می‌دهند، حتی اگر آنها را به نام‌های دیگری صدا می‌زنند. دو نام متداول عهدجدید برای این مقام «اپیسکوپوس»⁵⁰ (ناظر) و «پرسبوتروس»⁵¹ (خدمتگزار) بودند.

هنگامی که انجیلیان امروز کلمه «مشایخ یا بزرگان» را می‌شنوند، بسیاری بلافاصله به کلیسای پرزبیتری⁵² فکر می‌کنند. با این حال، در تعالیم اولین جماعت‌گرایان در قرن شانزدهم، این منصبی در کلیسای عهدجدید است. در حالی که از لحاظ تاریخی ارتباط دادن بزرگان با پرزبیتریان دقیق است، اما این درست نیست که آنها را منحصرأ با پرزبیتریان مرتبط کنیم. این درست نیست که فکر کنیم این اصطلاح برای کلیسای تعمیدی قابل استفاده نیست.

Episcopos -50
Presbuteros -51

52- مسیحیت مشایخی یا پرسبترینیسیم یا کلیسای پرزبیتری شاخه‌ای از پروتستان است که ریشه‌اش به جزایر بریتانیا بازمی‌گردد. ریشه‌ی نام کلیساهای پرزبیتری از روش مدیریت مشایخی گرفته شده‌است، روشی که در آن کلیسا را مجامعی اداره می‌کنند که نماینده ریش‌سفیدان هستند. شمار زیادی از کلیساهای اصلاح شده به این صورت سازمان یافته‌اند، ولی واژه پرزبیتری به‌طور خاص تنها به کلیساهایی گفته می‌شود که ریشه‌شان را به مشایخ اسکاتلندی و انگلیسی و گروه‌های سیاسی متعددی که حین جنگ‌های داخلی انگلستان تشکیل شدند، می‌رسانند. ایدئولوژی پرزبیتری نوعاً بر ملکوت خدا، مرجعیت متون مسیحی، و لزوم فیض از طریق ایمان به مسیح تأکید می‌کند. براساس قانونی‌سازی‌های پیمان پیوند بریتانیا و اسکاتلند که پادشاهی بریتانیای کبیر را ایجاد کرد، سازمان کلیسای مشایخی در اسکاتلند قرارداد شد. درواقع بیشتر مشایخ انگلستان ریشه‌های اسکاتلندی دارند و مذهب پرزبیتری نیز بیشتر توسط مهاجرین اسکاتلندی و ایرلندی به آمریکای شمالی برده شد. مترجم

مشایخ یا بزرگان را می‌توان در کلیساهای تعمیدی آمریکا در سراسر قرن هجدهم و تا قرن نوزدهم یافت.⁵³ دبلیو بی جانسون⁵⁴، اولین رئیس کنوانسیون تعمیدی جنوب، کتابی درباره زندگی کلیسا نوشت که در آن به شدت از ایده کثرت بزرگان در یک کلیسای محلی حمایت کرد. او می‌گوید: «این گونه تعالیم در مورد رهبریت کلیسا به علت بی‌توجهی به کتاب مقدس و رشد نادرست و تکثیر بی‌رویه کلیساها در بسیاری از مناطق دست‌کم گرفته شد».

اما در کلیسای تعمیدی احیای این منصب کتاب مقدسی تا به امروز ادامه یافته است. در اواخر قرن بیستم، نشریات کلیسای تعمیدی، از رهبران با عنوان «پیر» یاد می‌کردند، اگرچه این عمل امروزه در میان کلیساهای تعمیدی غیرمعمول است، اما همچنان با یک دلیل خوب روند رو به رشدی دارد، به این دلیل که در کلیساهای عهدجدید به آن نیاز بود و اکنون نیز همچنان به آن نیاز است.

اجازه دهید منظور از «پیر» را با متمایز کردن بزرگان از کارکنان کلیسا، از شماس‌ها و همچنین با پرسش در مورد کشیش و سایر بزرگان، توضیح دهم.

بزرگان و کارکنان کلیسا

بسیاری از کلیساهای مدرن تمایل دارند بزرگان را با کارکنان کلیسا اشتباه بگیرند. کارکنان افرادی هستند که کلیسا به صورت تمام وقت برای کار در کلیسا به خدمت گرفته است. آنها اغلب افراد به‌روزی هستند که

53- به عنوان مثال، ای تی رابرتسون، زندگی برادوس، صفحه ۳۴؛ ا. ال. هیلی، جی. آر. گریوز، صفحه ۴۰

54- W. B. Johnson

آموزش حوزوی دارند و باید از درجه خاصی از خداپرستی و بلوغ برخوردار باشند. در غیر این صورت استخدام آنها در کلیسا هیچ توجیحی ندارد.

بزرگان می‌توانند در استخدام کلیسا باشند. در واقع، قانون اساسی کلیسا این الزام را ایجاد می‌کند که وقتی کسی به‌عنوان کشیش معرفی می‌شود به‌عنوان یکی از بزرگان کلیسا نیز شناخته شود. در واقع این یک پیش‌بینی خردمندانه به نظر می‌رسد.

با این حال، قانون اساسی کلیسا ایجاب می‌کند که اکثریت بزرگان، حقوق بگیر کلیسا نباشند. برای مثال، شبانانِ دستیار در کلیسا (مردان جوان و کارآمد در خدمت، که احتمالاً به زودی به دانشگاه الهیات مسیحی می‌روند) عموماً به‌عنوان بزرگ‌تر شناخته نمی‌شوند در حالی که آنها کمک‌های فوق‌العاده‌ای در همه امور از تدریس گرفته تا بازبینی ارائه می‌کنند. دلیل اصلی که این ماده را در قانون اساسی خود گنجانده‌ایم این بوده است که می‌خواهیم مطمئن شویم ما به‌عنوان یک گروه، سنگینی مسئولیت و نه صرفاً استخدام بزرگان را احساس می‌کنیم و تلاش می‌کنیم یک کلیسای پربار معنوی داشته باشیم که نه ما بلکه افراد کلیسا این شبانان دستیار را به‌عنوان یکی از بزرگان ببینند. از سیزده پیری که در حال حاضر در کلیسای ما به رسمیت شناخته می‌شوند، تنها چهار نفر در استخدام کلیسا هستند.

بزرگان و شماسان

اگر نه در آموزه‌های الهیاتی، بلکه در عمل، بسیاری از کلیساها نقش شماس و بزرگ عهدجدید را اشتباه گرفته‌اند. همان‌طور که دیدیم، از جمله دغدغه‌های شماس‌ها جزئیات عملی زندگی کلیساست. اداره، نگهداری و مراقبت از اعضای کلیسا، رفع نیازهای اولیه آنها از جمله وظایف شماسان

است. همه‌ی این وظایف درنهایت موجب ارتقای وحدت کلیسا و خدمت به کلام خداوند می‌شود.

در اول تیموتائوس ۳، آنچه که در مقایسه فهرست صلاحیت‌ها برای بزرگان و سپس برای شماس‌ها بیشتر قابل توجه است، تفاوت‌های آنها نیست، بلکه شباهت‌های آنهاست. ناظران (بزرگان) و شماس‌ها باید افراد معتبر، بدون سهل انگاری، مورد اعتماد، تک‌همسر، هوشیار، معتدل و سخاوتمند باشند. درواقع، این دو فهرست از صفات، آن‌قدر شبیه به هم هستند که نکته قابل توجه این است که با چنین شرایط مشابهی، پولس و مسیحیان اولیه باید به وضوح دو هیئت رهبران جداگانه را تشخیص می‌دادند.

در اعمال ۶، ما مواردی از ریشه‌ی تمایز را در نقش و مسئولیت‌های شماس و بزرگان دیده‌ایم. در اعمال رسولان ۲: ۶، پس از شکایت در کلیسای اورشلیم، می‌خوانیم: «پس دوازده شاگرد عیسی همه را دور هم جمع کردند و گفتند: این درست نیست که ما از خدمت به کلام از اینجا می‌توان گفت که خدمت به کلام خدا در خدا غفلت کنیم.» مسئولیت بزرگان امری مهم است. نه تنها برای آنان بلکه برای کلیسا نیز ضروری است. آنها باید تمام توجه خود را به دعا و خدمت به خداوند آنها به معنای واقعی کلمه، خدمتگزاران و شماس‌های معطوف می‌کردند. کلام بودند. این دقیقاً مطابق است با اعمال رسولان باب پانزده و بیست که در مورد توانایی تعلیم بزرگان است. به نظر می‌رسد که نقش بزرگان اساساً رهبری قوم خدا با آموزش کلام خداست. این آموزش باید از طریق کلام خدا و همچنین روش زندگی مؤمنانه‌ی آنها باشد.

در جمع بندی این نکته، اقتدار بزرگان ارتباط مستقیمی با وظیفه‌ی تدریس آنها دارد. او باید کشیش (شبان) باشد. ما که بزرگان هستیم باید به‌عنوان ناظر خدمت کنیم. در اعمال رسولان ۶ می‌بینیم که رسولان

چیزی شبیه به این را به جماعت پیشنهاد می‌کنند. پولس در اول تیموتائوس ۵ از پیران به‌عنوان «مدیر امور کلیسا» و «واعظ و معلم» یاد می‌کند. اما عمدتاً به نظر می‌رسد که نقش بزرگان، رهبری با حوصله و دقت است.

این به نفع بسیاری از کلیساها خواهد بود که دوباره نقش بزرگان را از نقش شماس‌ها متمایز کنند.

بزرگان و کشیشان

آیا کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که یک کشیش ارشد باید در کنار یا در جمع پیران باشد؟ من فکر می‌کنم پاسخ به این سؤال این است که «نه به صورت مستقیم» با این حال، فکر می‌کنم که می‌توانیم نقش مشخصی را در میان بزرگان برای کسی که معلم عمومی و اصلی کلیساست، تشخیص دهیم.

کلمه‌ی «کشیش» فقط در ترجمه‌ی «NIV» در آنچه خداوند به کلیسای خود می‌بخشد⁵⁵، در کنار کلمه‌ی معلمان به چشم می‌خورد. در پشت کلمه‌ی انگلیسی «کشیش» کلمه‌ی یونانی «پویمناس»⁵⁶ وجود دارد که با کلمه‌ی «شبان» مرتبط است. کلمه‌ی مربوط به شبان چند بار دیده می‌شود⁵⁷، اما در هیچ یک از این مثال‌ها به نظر نمی‌رسد که موقعیتی جدا از پیر نشان داده شود. در واقع در اعمال رسولان ۱۷: ۲۰ و در باب

55- افسسیان ۴: ۱۱

56- Poimenas

57- اول پطرس ۵: ۲، اعمال رسولان ۲۰: ۲۸

۲۸ واضح است که «ناظر، اسقف، شبان و کشیش» همه برای معرفی یک گروه از افراد به‌کار می‌رود.

با این اوصاف، اجازه دهید چهار مورد کوتاه از این نقش را که در عهدجدید به چشم می‌خورد، ارائه دهم.

حتی در عهدجدید، مردانی وجود داشتند که از جایی به جای دیگر نقل مکان کردند (مانند تیموتائوس یا تیطوس) که به‌عنوان بزرگان خدمت می‌کردند و برخی دیگر (احتمالاً مانند کسانی که تیطوس «در تیطوس ۵:۱» در هر شهر منصوب کرده بود) خدمت می‌کردند. بنابراین، در حالی که تیموتائوس از جماعت و رهبری کلیسا بیرون آمده بود، دیگران از درون جماعت محلی برای این مقام منصوب شدند.

عده‌ای بودند که به‌طور تمام وقت توسط جماعت حمایت مالی می‌شدند^{۵۸} و دیگرانی که در شغل‌های دیگر کار می‌کردند. می‌توان به درستی استدلال کرد که همه بزرگانی که تیطوس در جزیره کرت منصوب کرد، حقوق تمام وقت دریافت نمی‌کردند.

در حالی که پولس به شخص تیموتائوس نامه نوشت، اما دستورات پولس برای کلیسا بود همچنان که در اعمال رسولان آمده‌است. مشایخ دیگری نیز در کلیسای افسس وجود داشتند. با این حال، به نظر می‌رسد تیموتائوس به نوعی در میان آنها نقش منحصر به فردی داشته است.

درنهایت، نامه‌های عیسی به هفت کلیسا در مکاشفه باب‌های ۲ و ۳ خطاب به رسول (کلمه به‌صورت مفرد) هر یک از این کلیساهاست.

البته هیچ کدام از این‌ها دستورالعمل نیستند، اما توصیفاتی هستند که می‌تواند به روش ما برای تعیین حداقل یک نفر از میان بزرگان برای حمایت مالی و سپردن مسئولیت موعظه به او کمک کند.

اما باید به یاد داشته باشیم که واعظ یا کشیش نیز اساساً یکی از بزرگان جماعت خود است. احتمالاً مفیدترین چیز برای خدمت شبانی‌ام در کلیسا، شناخت سایر بزرگان بوده، خدمت سایر بزرگان در کنار من فواید بسیار زیادی داشته است. کثرت بزرگان به کلیسا کمک می‌کند و رهبران را نیز کمتر در معرض انتقاد ناعادلانه قرار می‌دهند. چنین کثرتی، رهبری را ریشه‌دارتر و دائمی‌تر و امکان تداوم پایداری را فراهم می‌کند. این امر، کلیسا را تشویق می‌کند تا مسئولیت بیشتری برای رشد معنوی اعضای خود بپذیرد و کمک می‌کند تا کلیسا کمتر به کارمندان خود وابسته شود. کلیسای خود ما در واشنگتن از این مزایا برخوردار بوده و به خاطر بزرگانی که خدا به ما داده، شکرگزار است.

ناظران و کلیسا

به‌طور خاص در مورد چگونگی رابطه‌ی بزرگان و کلیسا در قالب جماعت و جماعت‌گرایی صحبت خواهیم کرد اما به‌طور کلی، رابطه‌ی بین بزرگان و جماعت محلی که به آنها خدمت می‌کنند باید با شواهد زیادی از شخصیت خدایسندانه بزرگان مشخص شود. بگذارید پنج ویژگی این رابطه را ذکر کنم: شناخت، اعتماد، زندگی خدایسندانه، مراقبت صمیمانه و نتایج ثمربخش.

شناخت: تشخیص صلاحیت بزرگان باید توسط کلیسا به‌عنوان هدایایی از جانب خدا برای خیر کلیسا شناخته شوند. بنابراین کلیسا باید وظایف آموزش و رهبری کلیسا را به آنها محول کند. این وظایف تنها

زمانی لغو می‌شوند که مشخص شود بزرگان به گونه‌ای عمل می‌کنند که برخلاف کتاب مقدس است و بزرگان نیز به سهم خود باید اقتدار خدادادی جماعت را بشناسند⁵⁹.

اعتماد : کلیسا باید به بزرگان خود اعتماد قلبی داشته باشد، به آنها احترام بگذارد و از آنها محافظت کند. بنابراین پولس در اول تیموتائوس ۵:۱۷ می‌نویسد: «پیرانی که امور کلیسا را به خوبی اداره می‌کنند، سزاوار احترام مضاعف هستند، به‌ویژه کسانی که کارشان موعظه و تعلیم است». بزرگان باید امور کلیسا را هدایت کنند و کلیسا باید تسلیم رهبری آنها شود. بنابراین پولس به عبرانیان نوشت: «از رهبران خود اطاعت کنید و تسلیم قدرت آنها شوید. آنها مردانی هستند که وظیفه مراقبت از شما را دارند. از آنها اطاعت کنید تا کارشان مایه خرسندی باشد، نه بار سنگین، زیرا برای شما سودی ندارد»⁶⁰.

زندگی خداپسندانه: ما در نامه‌های پولس به تیموتائوس و تیتوس تأکید بر «بی عیب بودن» پیران را دیده‌ایم. در تیتوس ۱:۶ پولس می‌نویسد: «زندگی شیخ باید بدون عیب باشد، او باید شوهری وفادار برای یگانه همسر خود باشد و فرزندان نیز با ایمان باشند و کسی نتواند ایشان را به چشم ولگرد و یاغی نگاه کند.» پس درهای خانه او همیشه برای مهمان نوازی باز است و با اشتیاق از دیگران پذیرایی می‌کند.

مراقبت صمیمانه: یکی از نشانه‌های آنان این است که درک می‌کنند کلیسا متعلق به آنها نیست، بلکه به مسیح تعلق دارد. مسیح کلیسا را با خون خود خریده است. بنابراین باید آن را گرمی داشت، با دقت و ملایمت با آن رفتار کرد، وفادارانه و خالصانه برای جلال خدا در جهت خیر

59- متی ۱۸؛ اول قرنتیان ۵؛ دوم قرنتیان ۲

60- عبرانیان ۱۳:۱۷

کلیسا رهبری کرد. بزرگان به خاطر کار و سرپرستی از کلیسا، به مسیح حساب پس خواهند داد.

نتایج ثمربخش: همان‌طور که در رابطه‌ی خودمان با خدا، دانستن و ایمان داشتن خاضعانه به اقتدار برحق خداوند، مزایایی به همراه دارد، در کلیسا نیز چنین است. هنگامی که از قدرت، باریزایت گروه تحت قدرت در جهت خیرشان استفاده شود، جماعت سود خواهد برد زیرا خدا کلیسای خود را از طریق معلمانی که به کلیسای خود می‌دهد، بنا می‌کند. دروغ شیطان که هرگز نباید به مرجعیت اعتماد کرد زیرا همیشه ظالمانه و خصمانه است، با عمل خیرخواهانه و به رسمیت شناختن مرجعیت بزرگان در چارچوب جماعت از بین خواهد رفت.

ادوارد گریفین⁶¹ در زمان بازنشستگی از کلیسایی که در آن سال‌ها به خوبی خدمت کرده بود، با سخنرانی خود به ما مطالب مفیدی درباره ارتباط جماعت و کشیش یاد داد. او گفت:

«به خاطر خود و فرزندان، کسی را که به‌عنوان کشیش خود انتخاب کرده‌اید گرامی بدارید و به او احترام بگذارید. او شما را دوست دارد؛ و به زودی شما را مانند «استخوانی از استخوان خود و گوشتی از گوشت خود» دوست خواهد داشت. به همان اندازه وظیفه شما خواهد بود که زحمات او را تا حد امکان برایش خوشایند کنید. زیاد تقاضا نکنید. اصرار به دید و بازدید زیاد نداشته باشید. اگر فقط نیمی از زمانی را که عده‌ای می‌خواهند او در این راه صرف کند، بپذیرد، کلاً از مطالعه غافل خواهد شد. همه‌ی چیزهای ناپسندی را که ممکن است علیه او گفته شود به او گزارش نکنید. در صورت بروز اختلاف، سعی کنید در حضور او

به اختلافات اشاره نکنید. اگرچه او خادم مسیح است، اما در نظر بگیرید که او نیز احساسات یک انسان معمولی را دارد.»⁶²

موهبت اقتدار

امیدوارم شاهد این باشید که خدمت به عنوان یک رهبر یک امتیاز بزرگ است. امتیازی که نباید آن را از دست داد. برخی از افراد ممکن است احساس کنند بیش از حد مشغول هستند، یا فکر کنند که چنین کاری ارزشش را ندارد. یاد جمله گری کوپر در مورد نپذیرفتن نقش اصلی در فیلم «بر باد رفته» می افتم که گفته بود خوشحالم که این کلارک گیبل است که بعد از ساخت فیلم شکست می خورد نه گری کوپر.⁶³

آنچه در مورد نقش رهبری کلیسا فکر می کنیم بسیار مهم تر از هر چیزی است که شهرت یا ثروت دنیوی را به ارمغان می آورد. پولس می گوید که «پیر» بودن، یک «وظیفه ی شریف» است و کسی که آن را می خواهد چیز خوبی می خواهد!

یکی از ملاقات هایی که برایم بسیار دلسرد کننده بود مربوط به زمانی است که برای صحبت و صرف غذا با فردی که در دانشگاه کمبریج تدریس می کرد به رستوران رفتم. او عصبانیت خود را از تصمیم اخیر شورای شهر ابراز می کرد. همان طور که او ادامه می داد، به یاد دارم که چه قدر این رفتار دوستم برای نشان دادن چنین خشمی نسبت به قدرت و حاکمیت معمولی بود. بنابراین از او یک سؤال ساده، مستقیم و بدون تأمل پرسیدم: «به نظر تو اقتدار بد است؟» به طور معمول، چنین سؤالی فقط نگاهی متکبرانه و تحقیرآمیز به همراه خواهد داشت، این که چه طور

62- ادوارد گریفین، سخنرانی با عنوان «وداع با اشک از کشیش وفادار»، سال ۱۸۰۹

63- فیلم «بر باد رفته / Gone with the wind» بعد از ساخت به یکی از موفق ترین آثار تاریخ سینما تبدیل شد. مترجم

می‌توان چنین سؤال ساده‌لوحانه‌ای مطرح کرد، و پاسخی پیچیده با هزاران ویژگی مختلف دریافت کرد. با این حال، این بار از پاسخ بی‌نظیر، ساده و مستقیم او شوکه شدم: «بله»

شناختن ماهیت سقوط کرده‌ی اقتدار خداوند و امکان سوءاستفاده از آن از طرف انسان، بسیار خوب است. قدرت جدا از اهداف خدا همیشه شیطانی است. اما سوءظن به همه‌ی اقتدارها یا بی‌اعتمادی ذاتی به آنها بسیار بد است. درواقع، این نوع بی‌اعتمادی بیشتر در شخص سؤال کننده بروز پیدا می‌کند تا مرجعیت قدرت. علاوه بر این، یک انحطاط سرطانی را در توانایی ما برای عمل کردن به‌عنوان کسانی که در تصویر خدا ساخته شده‌اند نشان می‌دهد. برای زندگی به گونه‌ای که او قصد داشت زندگی کنیم، باید بتوانیم به او اعتماد کنیم، و حتی - تا حد کمی - به کسانی که به شکل او ساخته شده‌اند اعتماد کنیم. همه‌ی افراد در کتاب مقدس از آدم و حوا گرفته تا حاکمان سرکش در کتاب مکاشفه، شرارت خود را اساساً با انکار قدرت خدا و غصب آن به‌عنوان اقتدار خود نشان می‌دهند.

این یک امتیاز بزرگ است که توسط رهبران خداپسند خدمت شویم! داشتن اقتدار الهی که در جهت منافع ما موجب سامان‌دهی کلیسا شود، هدیه بزرگی است! رد کردن اقتدار، به‌شیوه‌ای که بسیاری در روزگار ما انجام می‌دهند، کوتاه فکرانه و خود ویرانگر است. دنیای بدون اقتدار مانند آرزوهایی بدون محدودیت، ماشینی بدون کنترل، تقاطع بدون چراغ راهنمایی، بازی بدون قوانین، خانه‌ای بدون پدر و مادر و دنیایی بدون خدا خواهد بود. ممکن است مدتی ادامه یابد، اما دیری نمی‌پاید که بی‌معنی، سپس بی‌رحمانه و درنهایت غم‌انگیز به نظر می‌رسد.

علیرغم تمایل ما به نادیده گرفتن اقتدار، رهبری خداپسندانه و کتاب مقدسی برای ساختن کلیسایی که خدا را تجلیل می‌کند بسیار مهم است. اعمال رهبری ما در کلیسا به ماهیت و شخصیت خدا مربوط

می‌شود. هنگامی که ما از طریق قانون، در خانواده، در مشاغل خود، در نیروهای پیشاهنگی، در خانه‌هایمان و به‌ویژه در کلیسا از اقتدار مناسب استفاده می‌کنیم، به نمایش تصویر خدا برای خلقت او کمک می‌کنیم. این فراخوان و امتیاز ماست.

جماعت‌گرایی

جماعت‌گرایی چیست

1. تصورات نادرست از جماعت‌گرایی
2. تصور صحیح از جماعت‌گرایی
3. چهار بخش در عهدجدید که در آن جماعت دارای اختیار است:

- (الف) اختلاف بین مسیحیان
- (ب) الهیات
- (ج) نظم و انضباط
- (د) عضویت در کلیسا

جماعت‌گرایی چه چیز نیست

1. نمونه‌های کتاب‌مقدس از جماعت‌های خطاکار
2. نمونه‌های تاریخی جماعت‌های خطاکار
3. تصویر ناقص، اما واضح است

جماعت‌گرایی چرا مهم است

1. حفظ وفاداری اعتقادی جماعت
2. سوابق تاریخی جماعت

کارکرد جماعت‌گرایی

1. حساسی که یک رهبر باید بدهد
 2. اعتماد به رهبران
- (الف) مسائل روشن است، اما جدی نیست
 - (ب) مسائل نه جدی است و نه روشن
 - (ج) مسائل هم جدی است و هم روشن
 - (د) مسائل جدی است، اما روشن نیست

3. رهبران خود را تشویق و به آنها اعتماد کنید!

فصل سوم

جماعت‌گرایی

آیا کلیسا را صرفاً مکانی برای رشد معنوی خود می‌دانید؟ وقتی صبح یکشنبه در کلیسا دور هم جمع می‌شوید، صرفاً در حال عبادت شخصی خود در کنار افراد دیگر نیستید. بلکه در حال مشارکت در زندگی کلیسا هستید. گردهمایی مسیحیان در کنار هم تنها به معنای دریافت کنندگی انفرادی در یک مکان مشترک نیست آنها درواقع به‌عنوان یک نهاد و پیکره‌ی زنده، به‌عنوان یک بدن واحد جمع می‌شوند.

جا دارد به این سؤال بپردازیم که کلیسا چه فایده‌ای دارد؟ یک لحظه وقت بگذارید و سعی کنید به این سؤال پاسخ دهید. وقتی کلیسا و آنچه در آن است را بیشتر می‌فهمید، آنگاه زندگی مسیحی چیزی فراتر از یک تلاش انفرادی ساده برای پرورش فضایل اخلاقی و اجتناب از رذایل اخلاقی می‌شود. شما شروع به درک کلیسا به‌عنوان مظهر خدای زنده در این جهان می‌کنید.

جماعت‌گرایی چیست

مردم، اغلب جماعت‌گرایی را اشتباه درک کرده‌اند. بدخواهان، آن را به‌عنوان نوعی استقلال فردی معرفی کرده‌اند که «تجزیه‌طلبی» نیز نامیده می‌شود. رولاند آلن، آن را این‌گونه تعریف کرده است: «دعای گروه‌های فردی برای رفتار به‌گونه‌ای که انگار در دنیا تنها و مستقل از تمام مسیحیان دیگر هستند.»⁶⁴

از سوی دیگر، برخی از چهره‌های سرشناس دموکراسی، آن را به‌عنوان دموکراسی مستقیم و ساده معرفی کرده و با حقوق مسلم انسان گره زده‌اند. چارلز فینی، جماعت‌گرایی را این‌گونه ارائه کرد:

«اسقف نشینی برای وضعیت جهل عمومی در میان مردم بسیار مناسب است. اما برای پیشرفته‌ترکردن و رواج اصول مسیحیت پرزبیتریانیزم یا جمهوری خواهی در کلیسا مناسب است. در حالی که جماعت‌گرایی یا دموکراسی معنوی تنها راه و بهترین نوع رهبری است و برای وضعیت قشر عمومی جامعه و همین‌طور رواج اصول مسیحیت مناسب است»⁶⁵.

هیچ یک از این‌ها درک خوبی از تصویر زندگی کلیسا که عهدجدید برای ما به جا می‌گذارد، نیست. جماعت‌گرایی به هیچ وجه مانع همکاری با سایر گروه‌ها در مأموریت‌ها، آموزش، بشارت، امدادسانی در بلایا و بسیاری موارد دیگر نمی‌شود. اما به این معناست که هیچ ارگانی از خارج نمی‌تواند چیزی را برای یک جماعت خاص، چه در مورد نظم و انضباط و چه در زمینه الهیات، اجباری کند. با تکیه بر وضوح کتاب‌مقدس، شاید بیش از هر سیاست دیگری، ما جماعت‌گرایان فرض می‌کنیم که خدا قوم خود را به‌عنوان یک کل هدایت می‌کند تا کسانی که چه به‌عنوان اعضا و

64- رولاند آلن، کتاب با عنوان روش‌های تبلیغی، صفحه ۸۵، مترجم

65- بخشی از سخنرانی‌های چارلز فینی درباره الهیات، مترجم

چه به عنوان رهبران شناخته می‌شوند، بدانند که به چه چیزی باید اعتقاد داشت و چه کاری باید انجام داد.

برخی ممکن است جماعت‌گرایی را صرفاً به عنوان بازتابی از نظریه سیاسی روشنگری رد کنند. اما به سادگی می‌توان گفت که اصلاً این‌طور نیست. در اولین نامه کلمنت روم به کلیسای قرنتس نوشته شده است:

«در حوالی سال ۹۶ بعد از میلاد مسیح می‌خوانیم که بزرگان با رضایت کامل جماعت کلیسا به خدمت کلیسا درآمدند.»⁶⁶

نمونه‌های دیگری از این دست، فراوان یافت می‌شود. مسلماً مسیحیان در گذشته این تعلیم را از کتاب مقدس می‌دانستند. جماعت‌گرایی صرفاً درک این موضوع است که آخرین دادگاه تجدیدنظر در مورد زندگی کلیسای محلی، اسقف رم یا قسطنطنیه یا واشنگتن نیست. جماعت‌گرایی یک نهاد بین المللی یا یک مجمع ملی، کنفرانس یا کنوانسیون نیست. رئیس یک فرقه یا رئیس هیئت امنا، یک انجمن منطقه‌ای یا خدماتی نیست. حتی گروهی از بزرگان داخل کلیسای محلی یا کشیش هم نیست. آخرین دادگاه تجدیدنظر در مورد زندگی کلیسای محلی، خود جماعت محلی است. به نظر می‌رسد که عهدجدید در مسائل اعتقادی و انضباطی، در مورد پذیرش اعضا و حل و فصل اختلافات بین آنها، گواه این امر است.

بیایید فقط به این چهار موضوع در عهدجدید نگاه کنیم:

اختلاف بین مسیحیان

عیسی در متی ۱۸، درباره اختلاف بین برادران می‌گوید:

«اگر برادری به تو بدی کند، برو و خصوصی با او گفته‌گو کن و او را متوجه خطایش بساز. اگر سخن تو را گوش گرفت و به تقصیرش اعتراف کرد، برادری را باز یافته‌ای ولی اگر باز هم به گفته‌های شما گوش نداد، آنگاه موضوع را با کلیسا در میان بگذار؛ و اگر کلیسا به تو حق بدهد و آن برادر باز هم زیر بار نرود، آنگاه کلیسا باید با او همچون یک بیگانه یا باجگیر فاسد رفتار کند. چون هر جا که دو یا سه نفر به نام من جمع شوند، من آنجا در میان آنها حاضرم. این را نیز به شما می‌گویم که اگر دو نفر از شما اینجا بر روی زمین درباره‌ی چیزی که از خدا می‌خواهید با هم یکدل باشید، پدر آسمانی من آن را به شما خواهد داد»⁶⁷.

در اینجا توجه کنید که درنهایت به چه کسی متوسل می‌شوید. توجه کنید دادگاه نهایی چه دادگاهی است. این یک اسقف، یا یک پروتستان نیست. یک کنوانسیون یا یک کنفرانس نیست. یک کشیش یا یک هیئت بزرگان یا حتی یک کمیته کلیسا هم نیست. آنچه می‌خوانیم «کلیسا» است، یعنی کل جماعت محلی که عمل آنها باید دادگاه تجدیدنظر نهایی باشد.

اگر مجدد به اعمال رسولان ۵-۱: ۶ نگاه کنیم، رویداد مهمی را در زندگی کلیسای اولیه مشاهده می‌کنیم. مشکلی بر سر توزیع منابع کلیسا وجود داشت و این مشکل ظاهراً نیازمند توجه رسولان بود. آیه ۲ می‌گوید که، آن دوازده رسول تمام ایمانداران را جمع کردند و گفتند: «ما باید وقت خود را صرف رساندن پیام خدا به مردم کنیم، نه صرف رساندن خوراک به این و آن. برادران، از میان خود هفت مرد را انتخاب کنید که از روح و حکمت برخوردارند. ما این مسئولیت را به آنها واگذار خواهیم کرد و به دعا و خدمت کلام توجه خواهیم کرد.» این پیشنهاد، کل گروه را

خوشحال کرد و سپس لوقا نام کسانی که کلیسا انتخاب کرده است را ارائه می‌دهد.

یکی از پیچیدگی‌های استفاده از عهدجدید به عنوان راهنمای زندگی کلیسایی ما، حضور رسولان در این کلیساهاست. این سختی قابل درک است که ما بزرگان، کشیشان و ناظران بعدی چقدر می‌توانیم عمل رسولان را به عنوان یک راهنما برای خود فرض کنیم؟ آیا می‌توانیم آموزه‌ها را تعریف کنیم، خطا را ترسیم کنیم، یا سخنان مسیح را به یاد بیاوریم که شاگردان، در طول خدمت زمینی او با عیسی بوده‌اند، توسط او تعلیم داده شده و به‌ویژه از سوی او مأمور شده‌اند تا پایه‌های کلیسای او باشند؟ آیا نام کسانی از ما که در اینجا بزرگان هستیم باید مانند اسامی رسولان بر پایه‌های اورشلیم جدید حک شود؟ واضح است که پاسخ به این سؤالات «نه» است.

مشکل ما با الگوی رسولان این است که در پیروی از آن، رهبران کلیساهای امروزی ممکن است اقتدار بیش از حدی را به خود نسبت دهند، بدون اینکه شایستگی آن را داشته باشند. با این حال، در اعمال 6، می‌بینیم که همین رسولان مسئولیت را به جماعت واگذار می‌کنند. آنها در مجلس، همان نوع اقتدار نهایی تحت خدا را تشخیص می‌دادند که عیسی در متی ۱۸ از آن صحبت کرد.

به دنبال این مثال‌ها، پولس نیز تعلیم داد که نظم و آموزه کلیسای محلی، تحت اعتماد خدا، توسط جماعت حفظ می‌شود. پولس، هنگام نوشتن به کلیسای قرنتس، به آنها گفت که آنها باید کسانی را که در کلیسا هستند قضاوت کنند⁶⁸. او می‌نویسد: «حتی مردان عادی کلیسا را به عنوان قاضی

منصوب کنید!»⁶⁹. در مسائل اختلاف بین مسیحیان، جماعت به عنوان یک کل، همان دادگاه نهایی است که در کتاب مقدس برگزار می شود.

الهیات

تمام نامه های عهد جدید (به جز فیلیمون و شبانان) برای کلیساها به عنوان یک کل نوشته شده بود و به آنها به عنوان یک کل آموزش می داد که چه وظایفی دارند. حتی در مسائل مربوط به تعریف اساسی انجیل، به نظر می رسید که جماعت، دادگاه تجدید نظر نهایی (زمینی) باشد. بنابراین در غلاطیان ۱ پولس جماعت مسیحیان نسبتاً جوان را فرامی خواند تا به داوری واعظان و رسالت (حتی خودش) بنشینند!⁷⁰ می گوید: حتی اگر انجیل دیگری را غیر از انجیلی که غلاطیان پذیرفته بودند موعظه کنند ملعون هستند. او صرفاً برای کشیشان، اسقف یا کنفرانس، مجمع، یا حوزه علمیه نمی نویسد. او به مسیحیان که کلیساها را تشکیل می دهند، می نویسد، و کاملاً روشن می سازد که آنها نه تنها صلاحیت دارند در مورد آنچه ادعا می شود انجیل است، قضاوت کنند، بلکه حتماً باید این کار را انجام دهند! آنها وظیفه اجتناب ناپذیری دارند تا در مورد کسانی که ادعا می کنند پیام آوران بشارت عیسی مسیح هستند، بر اساس ادعاهای جدیدشان با آنچه این مسیحیان غلطیه قبلاً می دانستند انجیل است، قضاوت کنند.

پولس این نکته را در دوم تیموتائوس ۴:۳ هنگامی که به تیموتائوس و کلیسای افسس در مورد بهترین راه برای رسیدگی به معلمان دروغین توصیه می کند، دوباره بیان می کند. هنگامی که او موج آتی معلمان

69- اول قرن ثانی ۶:۴

70- غلاطیان ۱:۸

دروغین در کلیسا را توصیف و به‌ویژه در ۴:۳ کسانی را سرزنش می‌کند که «براساس خواسته‌های خود ... تعداد زیادی معلم را دور خود جمع می‌کنند تا آنچه را که گوش‌هایشان می‌خواهد بشنود، آنها برایشان بگویند.» جماعت در اینجا مقصر هستند، چه در انتخاب، چه در پرداخت هزینه یا تأیید تدریس، یا حتی با شنیدن مکرر آنها. آنان به خاطر تحمل آموزه‌های نادرست، مانند خود معلمان دروغین، مجرم شناخته می‌شوند. در تعریف اساسی اعتقادی، جماعت به‌عنوان یک کل، دادگاه نهایی است که در کتاب مقدس برگزار می‌شود.

نظم و انضباط

در اول قرن‌تین ۵ پولس در آیات ۵، ۷، ۱۱، و ۱۳ از کل جماعت قرن‌تس (نه فقط از بزرگان) درخواست می‌کند که وارد عمل شوند. این موضوع صرفاً مربوط به پولس رسول، یا هر بزرگی که ممکن است کلیسای محلی قرن‌تس داشته باشد، نیست. این موضوع برای کل جماعت بود. همه‌ی آنها این نفر را در بین خود پذیرفته بودند و همه او را تحمل می‌کردند. بنابراین همه‌ی آنها در گناه او دخیل بودند، یا باید از آن مرد چشم‌پوشی می‌کردند، و یا ادعای خود را مبنی بر اینکه شاگردان مسیح هستند، رد می‌کردند. در مسئله‌ی نظم و انضباط کلیسا، جماعت به‌عنوان یک دادگاه نهایی است که در کتاب مقدس برگزار می‌شود.

عضویت کلیسا

پولس در دوم قرن‌تین ۸-۶: ۲ می‌نویسد: «مجازات‌هایی که اکثریت به او تحمیل می‌کنند برای او کافی است. اکنون در عوض باید او را ببخشید و دلداری دهید تا غم و اندوه زیاد بر او غلبه نکند. بنابراین از شما می‌خواهم

که عشق خود را به او مجدداً نشان دهید.» آنها برای مجازات این مرد اقدام کرده بودند. اکثریت اعضای کلیسا به حذف این فرد از انجمن خود رأی داده بودند. به نظر می‌رسید مجازات، کارساز بوده است. همان‌طور که پولس در اینجا می‌گوید: «برای او کافی بود.» اکنون پولس به کلیسا می‌نویسد تا از مرد توبه‌کننده درخواست کنند که دوباره به کلیسا بپیوندد. اما پولس نمی‌تواند کاری جز توصیه و تشویق انجام دهد، زیرا در مسائل عضویت کلیسا، جماعت باید به‌عنوان دادگاه نهایی باشد. همان‌طور که در کتاب مقدس است.

جماعت‌گرایی

واژه جماعت‌گرایی به چه معناست؟ گفتن اینکه کتاب مقدس جماعت را به‌عنوان دادگاه تجدیدنظر نهایی، آخرین مرجع زمینی برای معنی بخشیدن و کاربرد کلام خدا در زندگی ما معرفی می‌کند، به این معنا نیست که جماعت همیشه حق دارد. هنگامی که پولس در نامه خود به تیموتائوس، شاگرد خود و کشیش کلیسای افسس در دوم تیموتائوس ۴:۳ روزهای شیطانی آینده را به‌عنوان زمانی توصیف کرد که «مردم تعالیم صحیح را تحمل نخواهند کرد. در عوض، برای مطابقت با خواسته‌های خود، تعداد زیادی معلم را دور خود جمع می‌کنند تا آنها آنچه را که گوش‌هایشان می‌خواهد بشنوند، بگویند.» جالب است نه؟ این که پولس پیشنهاد می‌کند جماعت همراه با بزرگان، مسئول مراقبت از آموزه‌های کلیسا هستند (همان‌طور که در نامه او به غلاطیان اشاره شد) او به وضوح می‌گوید که آنها این مسئولیت را انجام خواهند داد. جماعت‌گرایی یک مفهوم کتاب مقدسی است، اما بی‌عیب نیست.

این ایراد از مثالی که در دوم تیموتائوس باب ۴ آمده و از تاریخ کلیسا به طرز دردناکی مشخص است. کلیسا قرن‌های زیادی را در

تاریکی و با اشتباهات پی در پی در جماعت سپری کرده است. با وجود این که ما حکمت زیادی را در آنها می‌شناسیم اما نمونه‌های فراوانی از قضاوت‌های اشتباه جماعت وجود دارد! در تاریخ، می‌توانیم به جماعتی اشاره کنیم که جان‌اتان ادواردز⁷¹ را اخراج کردند. درست است که آنها بر اساس کتاب مقدس چنین حق و اقتداری داشتند، اما فکر می‌کنم موافق باشید که برداشت و استفاده بسیار ضعیفی از آن کردند.

به جماعت خودتان هم فکر کنید. ما با سخن گفتن از خطاهای کلیساها، بیش از اعتراف به گناهان خود تردیدی در حق حاکمیت خدا وارد نمی‌کنیم. حتی ممکن است اقتدار برحق خدا هم در این جهان سقوط کرده، خطا تعبیر شود.

تصویری که از جماعت‌گرایی در عهدجدید وجود دارد، تصویری کاملاً ناقص است. ما آن را در اشکال غیر واضح، حواشی و با فرضیات زیادی دریافت می‌کنیم. با این حال، مشخصاً وجود دارد، و هرچه بیشتر به آن فکر کنیم، در سراسر عهدجدید آشکارتر می‌شود. با این وجود، به نظر می‌رسد که ماهیت فرضی آن، کمی آزادی عمل به ما می‌دهد تا «محتاطانه، طبق قواعد کلی کلام» که در فصل اول تعهدنامه وست مینیستر⁷² نوشته شده است، عمل کنیم.

تقریباً هر اجتماعی از مؤمنان، صرف نظر از ساختار رسمی آن، تا حدی جماعت است. حتی کلیسایی که در آن جماعت فقط مالکیت ملک را در اختیار دارد، به نوعی یک کلیسای تحت حکومت جماعت است. در آن صورت، جماعت همیشه می‌توانند تصمیم بگیرند که اگر با تصمیمات رهبرانشان موافق نبودند، کار را متوقف کنند. اگر جماعت در

71- Jonathan Edwards، از برجسته‌ترین الهی دانان مسیحیت در قرن 18 میلادی بود. مترجم

72- Westminster Confession of Faith یکی از مهم‌ترین اسناد اعتقادی کلیسای پروتستان که در قرن 17 میلادی جهت استفاده در کلیساها به‌عنوان یک بیانیه‌ی رسمی از مسیحیت تدوین شده‌است. مترجم

مسائل مربوط به بودجه یا دعوت یک کشیش، حرف آخر را بزند، کلیسا حق بیشتری برای خود نسبت به جماعت قائل می‌شود. جماعت را به‌عنوان آخرین دادگاه تجدیدنظر از نظر الهیات، نظم و انضباط، شورای حل اختلاف و عضویت در نظر بگیرید و مطمئن باشید یک کلیسای جماعتی خواهید داشت که بسیار شبیه به مدل‌هایی است که در عهدجدید به ما داده شده است. این که یک جماعت تا چه اندازه تصمیم می‌گیرد تا خود را در تصمیم‌گیری‌های مربوط به رهبری، کارکنان و بودجه درگیر کند، یک مشارکت انفرادی هر عضو برای تصمیم‌گیری در جماعت است. در صفحات عهدجدید نه کمیته‌ای یافت می‌شود و نه متولیان. شما بیهوده به دنبال کمیته‌های مالی یا تیم‌های رهبری گروه‌های کوچک می‌گردید. اما اعتقاد به کفایت کتاب مقدس، چنین ساختارهایی را منع نمی‌کند. فقط اقتدار آنها را نسبی می‌کند. این به وضوح نشان می‌دهد که آنها از ذات کلیسا نیستند و باید خود را تسلیم حکمت کل جماعت کنند.

چرا جماعت‌گرایی اهمیت دارد؟ جماعت‌گرایی در واقع زندگی مشترک ما با کلیسا به‌عنوان مسیحیان است که از آن در جهت شناخت و نظم‌دهی به زندگی کلیسایی خود بهره‌مند می‌شویم. ما باید به ساختارهایی که خداوند آفریده احترام بگذاریم و در انجام آن به حکمت او اعتماد کنیم.

می‌دانم که برخی در جبهه اصلاح طلبان تمایل بیشتری به اداره کلیسا به روش پروتستان دارند. اما این امر گاهی اوقات به‌طور کامل انجام نمی‌شود. برای مثال، می‌دانم کلیساهای خدایسند، جماعتی و تعمیدی بسیاری وجود دارند که استانداردهای متفاوت و سخت‌گیرانه‌تری برای انتخاب بزرگان نسبت به سایر اعضای کلیسا دارند. مثلاً، آنها از همه‌ی اعضای کلیسا می‌خواهند که معاهده‌ی نیوهمپشایر⁷³ را تأیید کنند، در

73- The New Hampshire Confession of Faith.

حالی که از بزرگان می‌خواهند معاهده فیلادلفیا (لندن دوم)⁷⁴ را نیز تأیید کنند. در حالی که میل به رشد معنوی در بزرگان یک جماعت سالم وجود دارد و حتی امری کتاب مقدسی است، اما همین امر ممکن است وسیله‌ای شود برای دستیابی به یک هدف دلخواه. آیا در کتاب مقدس نمونه درستی داریم؟ نه.

آیا این امر باعث می‌شود که جماعت برای دادگاه تجدیدنظر نهایی در مسائل الهیاتی، همان‌طور که پولس به آنها در غلاطیان دستور داده، آمادگی کامل نداشته باشد؟ خود شما باید تصمیم بگیرید! در حالی که انتظار درک بالغانه‌تری از آموزه‌ها را از جانب کسانی که به ما به‌عنوان بزرگان خدمت می‌کنند، دارم. مطمئناً نمی‌خواهم کلیسا را به موقعیتی وابسته به روحانیتی بیشتر از آنچه در صفحات عهدجدید می‌بینم منتقل کنم.

این امر یک پشتوانه‌ی تاریخی دارد که هیچ سیاست معینی کلیساها را از خطا، انحطاط و عقیم شدن باز نمی‌دارد. به نظر می‌رسد سیاست‌های متمرکزتر سابقه‌ی بدتری نسبت به جماعت‌گرایی در حفظ یک وفاداری حیاتی نسبت به انجیل دارند (سوابق خلوص و قابل مشاهده بودن جماعت‌گرایی، زمانی چشمگیرتر می‌شود که کلیسا از طریق کتاب مقدس برای درستی و حق تعمید ایمانداران ایستاد و تعمید نوزادان را رد کرد). پاپ‌سالاری تأثیرات ویرانگری را بر مسیحیان اعمال کرده است. نمی‌توان گفت که اسقف‌ها بهتر عمل کرده‌اند. حتی مجامع، کنفرانس‌ها، هیئت‌های مذهبی، کلیساها و اجلاس‌ها، زمانی که از مشاور به فرمانروایی تبدیل شده‌اند، از اختیارات مقرر در کتاب مقدس فراتر رفته‌اند و بیش از کمک، باعث ایجاد دردسر شده‌اند.

74- The Confession of Faith (1689), also known as the 1689 Baptist Confession of Faith or the Second London Baptist Confession of Faith, is a Particular Baptist confession of faith.

آیا ممکن است خود انجیل آنقدر ساده و واضح باشد و رابطه ما با خدا به واسطه‌ی عمل روح القدس در تولد تازه‌مان آنچنان واقعی باشد که همه‌ی کسانی که به انجیل ایمان دارند و خدا را می‌شناسند، خودشان به سادگی بهترین نگهبانان انجیل باشند؟ آیا این همان چیزی نیست که ما در کتاب مقدس می‌بینیم؟

کارکرد جماعت‌گرایی

به‌عنوان جماعت‌گرایان، چگونه باید به عبرانیان ۱۷: ۱۳ پاسخ دهیم؟ «از رهبران خود اطاعت کنید و تسلیم قدرت آنها باشید. آنها مردانی هستند که وظیفه‌ی مراقبت از شما را دارند. از آنها اطاعت کنید تا کارشان مایه خرسندی باشد، نه بار سنگین، زیرا برای شما سودی ندارد.» البته این بدان معنا نیست که نویسنده‌ی عبرانیان به این مسیحیان می‌گوید که پیشخدمت‌های رهبران خود شوند. بلکه جدیت موضوع کاملاً مشخص است. این مربوط به حسابی است که این رهبران برای کارشان به خدا خواهند داد.

آیا این مطلب می‌تواند پیامدهای گسترده‌تری هم داشته باشد؟ فکر می‌کنم بله، زیرا بهتر است مسیحیان همواره جدی بودن موقعیت مراجع در کلیسا، به‌ویژه در مسائل آموزشی را در نظر داشته باشند. یعقوب گفت: «معلم با داورى سخت‌ترى مورد قضاوت قرار خواهند گرفت»⁷⁵ درنهایت، حسابی که ما بزرگان باید پس بدهیم به کلیساهای ما نیست بلکه به خداست.

آیا اهمیت مسئولیت‌های جماعتی را درک می‌کنید؟ در تمام این مسئولیت‌ها من ادعا نمی‌کنم که خدا ما را تنها گذاشته تا همیشه در قالب

یک کمیته مجزا بر پایه‌ی عقل خود کار کنیم. ما باید خدا را به خاطر رهبرانی که در میان ما قرار داده شکر کنیم. باید آنها را بشناسیم و به آنها اعتماد کنیم. کلماتی که در اینجا می‌بینیم مانند «اطاعت و تسلیم» کلماتی هستند که به شنیدن آنها عادت نداریم، اما این کلمات در عهدجدید برای افراد جامعه، در محل کار، در خانه و همین‌طور در کلیسا به کار می‌روند. این افراد به اعتماد کافی از جانب ما نیاز دارند.

می‌دانیم که اعتماد، امری ضروری است. هنگامی که مدیر یا رئیس جدیدی به محل کار وارد می‌شود، یا حتی یک دوستی جدید آغاز می‌شود، برایمان مهم است بفهمیم که استقامت این افراد چگونه است و چطور با مشکلات مواجه می‌شوند، آیا می‌توانند افرادی مفید برای خود و دیگران باشند. به این ترتیب اعتماد می‌تواند حاصل شود.

اما در بهترین حالت، این نگرش، فقط نیمی از واقعیت است. چرا که نوع اعتمادی که از ما خواسته شده نسبت به هموعان خود اعم از خانواده یا دوستان، کارفرمایان، مقامات دولتی و یا حتی رهبران کلیسایمان داشته باشیم، در این زندگی هرگز نمی‌توان به دست آورد بلکه باید آن را با ایمان و اعتماد به خداوند به‌عنوان یک موهبت دریافت کرد. چرا که داشتن رهبرانی غیرقابل اعتماد یا اعضای که قادر به اعتماد نیستند، یک نقص روحانی جدی در یک کلیساست.

افزایش جدیت

چگونه باید اعتماد کنیم؟ یک نمودار ساده را تصور کنید، با یک خط نشانگر افزایش وضوح و دیگری افزایش جدیت. نمودارها عبارتند از:

1. واضح است، اما جدی نیست:

به عنوان مثال، آیا باید نمای بیرونی ساختمان را بنفش رنگ کنیم؟ در مورد موضوعاتی از این دست، به طور کلی هیچ بحثی وجود نخواهد داشت!

2. چیزهایی که نه جدی هستند و نه واضح.

مثلاً آیا باید خدمات خود را با دعا خاتمه دهیم یا با سکوت؟ در این موارد توافق جمعی نتیجه بخش است. این مسائل کاملاً بی اهمیت نیستند، اما به عنوان جزیی از مسایل بسیار مهم هم محسوب نمی شوند. همه چیز از قراردادهای نظافت گرفته تا ایده هایی برای پارکینگ می تواند در این گروه گنجانده شود.

3. چیزهایی که هم جدی هستند و هم واضح.

مثلاً، آیا برای عضویت در کلیسای ما باید به اینکه عیسی کاملاً خدا و کاملاً انسان است، اعتقاد وجود داشته باشد؟ همیشه در این مورد توافق وجود دارد، اما در این مورد نیز در تاریخ کلیسا اشتباهات بزرگی رخ داده است. در مورد اعمال نظم و انضباط، این جایی است که رسولان همیشه در عهدجدید به جماعت متوسل می شوند. نمونه هایی در کتاب مقدس وجود دارد.

برای مثال: آیا کلیسای اورشلیم تقسیم می شود؟ آیا کلیسای قرن تنس شهادت خود را به قدوسیت خدا از دست می دهد و مردم را در مورد معنای مسیحی بودن به بیراهه می کشاند؟ آیا کلیسای قرن تنس از به رسمیت شناختن توبه واقعی خودداری می کند؟ آیا کلیساهای غلاطیه انجیل را از دست خواهند داد؟ آیا کلیسای افسس تعلیم دروغین را می پذیرد؟ باید بدانیم که در این موضوعات واضح مربوط به کنش و واکنش جماعت در عهدجدید، بزرگترین مسائل در خطر است.

4. نه جدی و نه واضح

به عنوان مثال، آیا باید فلان شخص را به عنوان یک بزرگتر بشناسیم؟ آیا باید بر عضویت تأکید کنیم؟ آیا باید هزینه‌ای را برای یک خدمت به خصوص اختصاص دهیم؟ آیا باید این تصمیم جهت‌دار را به عنوان یک جماعت اتخاذ کنیم؟

این‌ها موضوعات مهمی هستند برای اینکه کلیسا به سخنان بزرگان گوش دهد. از بسیاری جهات، این قسمت آخر است که در آن بزرگان به‌طور خاص به کلیسا خدمت می‌کنند، نه اینکه کلیسا تلاش کند به عنوان یک کمیته عمل کند، و نه این‌که کشیش، یا برخی از رئیس کمیته‌ها به تنهایی تصمیم بگیرند. این مورد بسیار مهمی است که در آن یک کلیسا یا از رهبری خدا برخوردار است و به وسیله آن پیشرفت می‌کند، یا آن را رد می‌کند و بهای آن را می‌پردازند.

نگرش اساسی یک عضو کلیسا باید این باشد که یا به رهبران اعتماد داشته باشد یا آنها را جایگزین کند. اما نگوید که آنها را تصدیق می‌کنید و سپس از آنها پیروی نمی‌کنید. اگر در موضوعی با بزرگان مخالف هستید، دلیل موجهی داشته باشید. بروید و با آنها در آن مورد صحبت کنید! به غیر از کتاب مقدس، شما منبع اصلی اطلاعات بزرگان درباره‌ی خودتان هستید! به جای بی‌اعتمادی به رهبران کلیسا و به جای صحبت کردن پشت سر بزرگان خود، خصوصی با یکدیگر ملاقات کنید و برای تشویق رهبران خود برنامه‌ریزی کنید. برای این‌که کار رهبران کلیسا سخت و سنگین نباشد، بلکه باعث شادی شود، برنامه‌های راهبردی داشته باشید. نویسنده به عبرانیان می‌گوید که این امر، رهبران شما را برای شما برکت خواهد داد.

جان براون⁷⁶، یکی از اساتید کلام مقدس در اسکاتلند، دویست سال پیش، نامه‌ای از نصایح پدران به یکی از شاگردانش نوشت که به تازگی در یک جماعت کوچک منصوب شده بود. در آن گفت:

«من احساس بیهودگی و بطالتی که در قلبت وجود دارد را می‌فهمم و از این‌که جماعتت در مقایسه با جماعت دیگر برادران در اطرافت بسیار اندک است احساس ناراحتی می‌کنی. اما به قول یک پیرمرد: زمانی خواهد آمد که حساب آنها را به خداوندمان، مسیح در جایگاه داوری پس خواهیم داد، پس اطمینان حاصل کنید که به اندازه کافی آنها را از کلام خداوند سیراب کرده‌اید.»

امروزه چه تعداد کلیسا در ترکیبی شیطانی از رهبران خودخواه و اعضای سرسخت در حال زوال هستند؟ این گونه جماعت‌ها معمولاً کوچک و پژمرده می‌شوند. برخی از کلیساها جماعت‌های شگفت انگیزی دارند، اما افراد اشتباهی را به عنوان کشیش و بزرگان انتخاب می‌کنند، افرادی که خود را در بهترین حالت، بی‌دقت و در بدترین حالت، فریبکار، نشان می‌دهند. بسیاری از ما درگیر چنین کلیساهایی بوده‌ایم. برخی از کلیساها رهبران خداپسند و شگفت انگیز اما جماعتی مملو از مردم از خودراضی و خودمحور دارند. اگر چنین کشیشی بتواند بماند و صبورانه تدریس کند، جماعت را می‌توان از نو بنا کرد. در غیر این صورت، به نظر من، چنین جماعتی در روز آخر به خاطر زخمی کردن شبانان خوب، قضاوت سنگینی را متحمل خواهد شد. اما یک کلیسای سالم، شاید اعضا و رهبران کاملی نداشته باشد، اما با ابتکار، خدمات خداپسندانه، تعلیم و اطاعت خدایی و رهبری، قادر به حفظ تمامیت کلیسا خواهد بود.

عضویت

تعهدهراسی و عضویت

کلیسا چیست؟

1. کلیسا یک ساختمان نیست.
2. کلیسا یک جامعه کاملاً مشخص و متمایز است.
(الف) در عهدجدید
(ب) در عهدعتیق
(ج) بابتیست‌ها از نظر درک و استدلال این مطلب در تاریخ منحصر به فرد هستند.
(د) یادداشتی برای مورخان

چرا به یک کلیسا بپیوندیم؟

1. اهمیت سؤال
2. پنج دلیل برای پیوستن به کلیسا
(الف) برای اطمینان به خودمان
(ب) برای بشارت دادن به جهان
(ج) افشای اناجیل دروغین
(د) برای تعالی کلیسا
(ه) برای جلال دادن و پرستش خداوند

نشانه‌های عضویت کلیسا

1. غسل تعمید
(الف) شواهدی علیه غسل تعمید نوزاد
(ب) شواهد کتاب‌مقدس برای تعمید ایمانداران

2. عشای ربّانی
3. حضور و غیاب
4. نظم و انضباط
5. عشق

فصل چهارم

عضویت

بیاييد با اعتراف به اين نکته شروع كنيم كه كل ايده‌ی عضویت در کلیسا، امروزه برای بسیاری غیر سازنده به نظر می‌رسد. آیا غیر از این است كه بگوئیم عده‌ای داخل کلیسا هستند و برخی بیرون؟ آیا این دوستانه‌تر و بهتر نیست؟ آیا می‌توانیم تا آنجا پیش برویم كه بگوئیم حتی غیر کتابی و شاید غیر مسیحی است؟ پایان اعمال رسولان ۲ به سادگی می‌گوید كه: «خداوند هر روزه نجات یافتگان را به جمعیان (یعنی کلیسا) می‌افزود.» آیا این همه چیز نیست؟ در اعمال ۸ خواجه سرای اتیوپیایی كه به فلسطین سفر می‌كرد و با اربابه خود به خانه باز می‌گشت و اشعیای نبی را می‌خواند. فیلیپ توسط روح القدس هدایت شد، جلو دوید و شنید كه چه می‌خواند. پس پرسید: «آیا آنچه را كه می‌خوانی درك می‌كنی؟» آنگاه فیلیپ از آن نوشته‌ی مقدس شروع كرد و با استفاده از قسمت‌های دیگر كتاب مقدس، پیام نجات‌بخش عیسی را به او رسانید. آن مرد، ایمان آورد و تعمید یافت. در آن صورت، آیا اتیوپیایی به‌طور خودكار عضو کلیسا نبود؟

تعهدهراسی و عضویت

همه‌ی این‌ها مهم‌تر از آن چیزی است که مردم امروز فکر می‌کنند. در واقع، من متقاعد شده‌ام که برداشتن این قدم به درستی (عضویت) کلیدی در جهت احیای کلیساهایمان، بشارت دادن به ملت‌ها، پیشبرد آرمان مسیح در سرتاسر جهان، و به این ترتیب جلال خداست!

به نظر می‌رسد همه‌ی آمارها در دوران ما به‌عنوان عصر «تعهدهراسی» اشاره می‌کنند. تعهدهراسی ترس از این است که اگر امروز قول انجام کاری را بدهیم، آن قول و یا وعده امکان دارد که ما را از دستیابی به چیز بهتری که ممکن است در آینده اتفاق بیفتد باز دارد.

«تحقیقات درباره نگرش عمومی به یک تضاد عمیق در جامعه اشاره می‌کند: تعهد به هر دینی می‌تواند باعث تعهد اخلاقی عمیق‌تری شود. برای مثال، در حالی که ۹۱ درصد از مردم آمریکا دین را در زندگی خود بسیار مهم می‌دانند، ۶۳ درصد مفهوم مطلق دین را رد می‌کنند»⁷⁷ جورج بارنا کسی بود که این نتیجه نظرسنجی عجیب و غریب را گزارش کرد. تنها ۴۳ درصد از بزرگسالانی که می‌گویند مسیحی هستند «کاملاً به ایمان مسیحی متعهدند».

اکنون این سؤالات قابل طرح است: آیا کسی می‌تواند یک مسیحی تعهدهراس باشد؟ به هر حال، برای چنین دیدگاه مدرنی، چه معنایی دارد که یک فرد، صلیب خود را بردوش بگیرد و از مسیح پیروی کند؟ چه چیزی می‌تواند واضح‌تر از پیروی از عیسی مسیح باشد، که به شاگردانش گفت این کار را انجام دهند؟

انجیلی‌های آمریکایی نیاز مبرمی به بازاندیشی و بازنگری در این موضوع دارند، به‌ویژه انجمن کلیساهای کلیسای «پیمان‌نامه‌ی تعمیدی جنوبی»⁷⁸. چند سال پیش براساس مطالعه‌ای معلوم شد، این کلیسا دارای

77- دان ایرلی، کتاب با عنوان احیای جامعه خوب؛ سال ۱۹۹۴، صفحه ۳۸

78- The Southern Baptist Convention

۲۳۳ عضو است که ۷۰ نفر آنها در مراسم عبادت صبح یکشنبه حضور دارند. سؤال من این است: ۱۶۳ عضو دیگر کجا هستند؟ آیا همه‌ی آنها در خانه بیمارند، در حال استراحت‌اند، در دانشگاه‌اند، در تعطیلات به سر می‌برند و یا در ارتش؟ شاید برخی از آنها هستند، اما نه همه‌ی ۱۶۳ نفر! این چه چیزی را در مورد مسیحیت به جهان اطراف ما منتقل می‌کند؟ منظور از اهمیت مسیحیت در زندگی ما چیست؟ وضعیت معنوی آن افراد چگونه است، اگر ماه‌ها یا حتی بیشتر در کلیسا نبوده باشند، آیا واقعاً عدم حضور آنها به ما مربوط است؟ برای درک این موضوع، ابتدا باید این سؤال را مطرح کنیم که کلیسا چیست؟

کلیسا چیست؟

منظور ما از کلمه‌ی «کلیسا» واحد سازمانی یک دین نیست. ما به کلیساهای بودایی یا کلیساهای یهودی اشاره نمی‌کنیم. اساساً منظور ما از «کلیسا» یک ساختمان نیست. درواقع ساختمان، محل ملاقات کلیساست. بنابراین، نام پیوریتن نیوانگلند برای ساختمان کلیسا، به معنای «خانه ملاقات» است. اولین کلیساهای نیوانگلند از بیرون شبیه خانه‌های بزرگ به نظر می‌رسیدند. آنها فقط خانه‌هایی بود که کلیسا در آنجا ملاقات می‌کرد.

طبق عهدجدید، کلیسا در وهله اول اجتماع منظمی از افرادی است که اقرار می‌کنند و گواهی می‌دهند که تنها با فیض خدا از طریق ایمان، تنها به مسیح و تنها برای جلال خدا نجات یافته‌اند. این همان کلیسای عهدجدید است. کلیسا یک ساختمان نیست. مسیحیان اولیه تقریباً سیصد سال پس از شروع کلیسا هیچ ساختمانی نداشتند. با این حال، از زمان‌های قدیم، کلیساهای مسیحی محلی، به روشنی جماعتی از افراد خاص بودند. افراد خاصی می‌توانستند این مجلس را تشکیل دهند و برخی دیگر به

وضوح به عنوان خارج از آن شناخته می‌شدند. بنابراین نکوهش‌هایی که عیسی در متی ۱۸ و پولس در اول قرن‌تین ۵ تعلیم دادند، نشان می‌دهد که فردی نه از یک جامعه‌ی سیاسی، بلکه از یک جامعه اجتماعی متمایز، کنار گذاشته شده است. در حالی که ما به‌طور قطع نمی‌دانیم که در اولین کلیساهای مسیحی فهرست مکتوبی از اعضا وجود داشته، در عین حال ممکن است که وجود داشته باشند. می‌دانیم که کلیسای اولیه فهرستی از زنان بیوه را نگه‌می‌داشت. البته واضح است که خود خدا، دارنده‌ی فهرستی است از کسانی که در کلیسای جهانی عضویت دارند و نامشان در کتاب زندگی است. از دوم قرن‌تین ۲ می‌دانیم که هم پولس و هم قرن‌تین می‌توانستند به وضوح اکثریت گروه خاصی از مردم را که به نظر آنها اعضای کلیسا بودند، یعنی کسانی که واجد شرایط رأی دادن بودند، شناسایی کنند.

ایده انتخاب یک جامعه‌ی کاملاً مشخص از مردم در عملکرد خداوند در عهدعتیق و جدید نقش اساسی دارد. از برگزیده شدن نوح و خانواده‌اش و نجات آنها توسط خداوند، تا ابراهیم و فرزندانش، تا قوم اسرائیل، تا کلیسا در عهدجدید، همه شواهدی است بر این‌که خدا انتخاب کرده است که مردمی متمایز و کاملاً جدا از بقیه داشته باشد تا حضور خود را نشان دهد. نیت خدا همیشه این بوده است که خطی روشن و مجزا وجود داشته باشد تا کسانی را که به او توکل می‌کنند از کسانی که به او اعتماد ندارند متمایز کند.

مفهوم کلیسا به عنوان یک «گروه جمع شده» چیزی است که مسیحیان تعمیدی را از بسیاری دیگر متمایز کرده است. در زمان اصلاحات، رابطه بین دولت و کلیسا، هم نزدیک و هم پیچیده بود. موارد انضباطی کلیسا یا دولت، برای افراد، اغلب عواقب دوجانبه‌ای را به همراه داشت. فرض بر این بود که هرکس که در محدوده یک حوزه قضایی سیاسی خاص متولد می‌شود باید بتواند عضو کلیسای دولتی باشد.

در طول اصلاحات، تعمیدی‌ها این ایده را دوباره تصحیح کردند که غسل تعمید باید فقط برای افرادی باشد که شخصاً گفته‌اند به عیسی ایمان دارند و زندگی آنها نشان‌دهنده‌ی این تغییر نگرش است. این باور، ساختار کلیسا را به چالش کشید زیرا به این معنی بود که کلیسا فقط باید از افرادی تشکیل شود که واقعاً توسط خدا تغییر کرده‌اند، نه همه.

این می‌تواند نکته‌ی جالبی برای مورخان باشد که کلیسای تعمیدی به‌عنوان یک جامعه‌ی مستقل و داوطلب، کمک بسیار مهمی در جهت آزادی ادیان برای ملت ما انجام داده است. شاید جای شگفت داشته باشد اگر بدانید، امروزه برخی، تعمیدی‌ها را به چشم توتالیتاریسم مذهبی (رژیم حکومت محور با یک قدرت مرکزی و انحصاری) و جنبش سرکوبگر و ضد دموکراسی می‌بینند. اما از نظر تاریخی دور از واقعیت و به طرز وحشتناکی کنایه‌آمیز است. از برخی جهات، همان آزادی بیانی که برخی برای صحبت و نوشتن در مورد تعصب ما از آن استفاده می‌کنند، درواقع توسط درک درست از کلیسا محافظت می‌شود. چیزی که ما مسیحیان تعمیدی برای سه قرن در این کشور از آن دفاع کرده‌ایم.

کلیسا درنهایت چیزی نیست که برای شما و هر یک از اعضای آن به دلیل نسب خانوادگی، طبیعی یا به دلیل شهروندی در این کشور وجود داشته باشد. نه! عهدجدید می‌آموزد که کلیسا برای ایمانداران است. بنابراین ما از قوانینی در این سرزمین حمایت می‌کنیم که نوعی آزادی را برای کلیسا فراهم می‌کند تا بتواند آزادانه کار کند. پس تعمیدی‌ها از یک کلیسای جدید در آمریکا حمایت نمی‌کنند. درواقع ما سرسخت‌ترین دشمنان این موضوع هستیم. درک ما از کلیسا این اجازه را نخواهد داد. ما از بشارت دادن به ملل مختلف از طریق کلیساهایی که آزادانه با هم در انجیل عیسی مسیح همکاری می‌کنند، حمایت می‌کنیم. یک کلیسا مجموعه‌ای محلی از مسیحیان متعهد به مسیح و به یکدیگر است.

چرا به یک کلیسا پیوندیم؟

امروزه این موضوع برای کلیساهای ما و برای ما به عنوان فردی مسیحی ضروری است. این مطلبی حیاتی است برای درک آنچه مسیح، شما را به عنوان شاگرد خود فرامی خواند. پیوستن به یک کلیسا شما را نجات خواهد داد. همان طور که کارهای خوبتان، تحصیلاتتان، فرهنگتان، دوستی هایتان، مشارکت هایتان، یا غسل تعمیدتان موجب نجات شما نمی شود. غیر مسیحیان نباید سعی کنند به یک کلیسا پیوندند، بلکه باید بدانند مسیحی بودن به چه معناست. اما از کسانی که به مسیحیت اعتراف می کنند، اجازه دهید این سؤال را بپرسم: زندگی مسیحی به چه معناست؟ آیا زندگی مسیحی به تنهایی امکان پذیر است؟

سؤالات خوب دیگری نیز برای نشان دادن نیاز ما به کلیسا وجود دارد، اما اجازه دهید چند دلیل خوب برای پیوستن به کلیسایی که انجیل را موعظه می کند و از زندگی مسیحی الگو می گیرد به شما ارائه دهم.

پیوستن به کلیسا باعث نجات شما نخواهد شد. سخنان عیسی در انجیل یوحنا را به خاطر دارید؟

«کسی که دستورات من را دارد و از آنها اطاعت می کند، اوست که مرا دوست می دارد. هر که مرا دوست بدارد، پدرم او را دوست خواهد داشت و من نیز او را دوست خواهم داشت و خود را به او نشان خواهم داد... اگر از اوامر من اطاعت کنید، در محبت من خواهید ماند، همان طور که من از دستورات پدرم اطاعت کردم و در محبت او می مانم. شما دوستان من هستید اگر آنچه را که من دستور می دهم انجام دهید.

اکنون که این چیزها را می‌دانید، اگر آنها را انجام دهید، برکت خواهید داشت.»⁷⁹

با پیوستن به کلیسا، خود را در موقعیتی قرار می‌دهیم که از برادران و خواهران خود می‌خواهیم ما را کمک کنند تا مطابق با آنچه با زبان خود صحبت و اعتراف می‌کنیم، زندگی کنیم. از آنها می‌خواهیم گاهی اوقات با یادآوری راه‌هایی که کارکرد خدا را در زندگی‌مان دیده‌اند، ما را تشویق کنند و در مواقعی که ممکن است در حال دور شدن از اطاعت از او باشیم، ما را به چالش بکشند. عضویت شما در یک کلیسای محلی شهادت عمومی آن جماعت مبنی بر وجود و مشاهده تغییر در زندگی شماست.

عضویت در یک کلیسای محلی برای نجات نیست، اما بازتابی از نجات است. اگر تعاملی وجود نداشته باشد، چگونه باید از نجات ادعا شده مطلع شویم؟

با عضویت در کلیسا، دست در دست یکدیگر می‌گذاریم تا یکدیگر را بشناسیم و توسط یکدیگر شناخته شویم و در مواقعی که ممکن است نیاز به یادآوری کار خدا در زندگی خود داشته باشیم یا در مورد آنها به چالش کشیده شویم، به یکدیگر کمک و همدیگر را تشویق کنیم.

بشارت دادن به جهان

برای بشارت دادن به جهان، باید به یک کلیسای محلی بپیوندیم. با هم می‌توانیم انجیل را در داخل و خارج از کشور بهتر گسترش دهیم. می‌توانیم این کار را با کلمات خود انجام دهیم، زیرا پیام بشارت را با

دیگران به اشتراک می‌گذاریم و به دیگران در انجام آن کمک می‌کنیم. یک کلیسای محلی طبیعتاً نقش یک سازمان مبلغ را هم دارد.

هنگامی که برای نشان دادن محبت خدا از طریق رفع نیازهای جسمانی یتیمان، بیماران، کودکان یا افراد محروم تلاش می‌کنیم، این را با اعمال خود تأیید می‌کنیم. ما از طریق مشارکت خود در کلیساهای به گسترش انجیل در سراسر جهان کمک می‌کنیم و میلیون‌ها دلار و هزاران داوطلب برای کمک به کسانی که نیازهای فیزیکی فوری مانند امداد رسانی، آموزش و خدمات بی‌شمار دیگر دارند، ارائه می‌دهیم. با اینکه ما افراد کاملی نیستیم، اما روح خدا واقعاً در ما کار می‌کند، او از زندگی و کلمات ما برای نشان دادن حقیقت انجیل خود به دیگران کمک خواهد گرفت. این نقش ویژه‌ای است که در بهشت خواهیم داشت. این امتیاز ویژه‌ی کلیسا در حال حاضر است. بخشی از برنامه‌ی خدا، رساندن انجیل او به جهان.

افشای انجیل‌های دروغین

در راه افشای انجیل‌های دروغین، خداوند قصد دارد با هم باشیم تا به کمک هم انجیل‌های دروغین را افشا کنیم. از طریق گردهم آمدن به‌عنوان مسیحیان، به جهان نشان می‌دهیم مسیحیت واقعاً چیست. در کلیساهایمان، پیام‌ها و تصاویری را که ادعا می‌کنند مسیحیت کتاب مقدسی هستند، اما واقعاً چنین نیستند، از بین می‌بریم. آیا دلیل عدم عضویت برخی از افراد در کلیساهای انجیلی نمی‌تواند این باشد که این افراد به شکل واقعی به انجیل باور ندارند؟ بخشی از مأموریت کلیسا تشخیص و دفاع از انجیل واقعی و جلوگیری از انحرافات آن است. ما باید بدانیم که بخشی از وظیفه ما در بشارت نه تنها ارائه مثبت انجیل عیسی مسیح، بلکه از بین بردن

شاهدان نادرست، گنج‌کننده و تحریف‌شده است که خود را به‌عنوان کلیساهای مسیحی مطرح کرده‌اند، اما درواقع باعث سردرگمی می‌شوند.

ساختن ماهیت کلیسایی

یکی دیگر از دلایل پیوستن به کلیسا، ساختن یا نوسازی ماهیت کلیسا است. پیوستن به یک کلیسا با فردگرایی نادرست ما مقابله و همچنین کمک می‌کند تا ماهیت شراکتی مسیحیت را درک کنیم. وقتی عهدجدید را مطالعه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که زندگی مسیحی ما قرار است شامل مراقبت و توجه ما به یکدیگر باشد. این بخشی از معنای مسیحی بودن است حتی اگر این کار را به درستی و کامل انجام نمی‌دهیم باز هم باید به انجام آن متعهد باشیم. ما قصد داریم گام‌هایی حتی کوچک در جهت عدالت، عشق، ازخودگذشتگی و مسیح‌گونه زیستن را تشویق کنیم.

در کلاس عضویت کلیسا، اغلب، داستان دوستی را تعریف می‌کنم که برای یک خدمت مسیحی در محوطه دانشگاه کار می‌کرد و در کلیسایی که من در آن عضو بودم، شرکت می‌کرد. او همیشه بلافاصله بعد از سرودها داخل می‌شد، برای خطبه می‌نشست و سپس می‌رفت. یک روز از او پرسیدم چرا برای تمام سرویس نیامدی؟ او گفت: «خب، من از بقیه‌ی برنامه‌ها فیضی به دست نمی‌آورم.» پرسیدم: آیا تا به حال به پیوستن به کلیسا فکر کردی؟ او با تصور اینکه این یک سؤال بی‌خود است، جواب داد: «چرا باید عضو یک کلیسا باشم؟ اگر به آنها بپیوندم، فکر می‌کنم آنها فقط از نظر روحی سرعتم را کاهش می‌دهند.» از شنیدن این پاسخ متعجب شدم! (پس مسیحی بودن به چه معناست؟! پاسخ دادم: «آیا تا به حال به این فکر کرده‌ای شاید خدا می‌خواهد که دستان خود را با افراد دیگر پیوند دهی؟ مطمئناً ممکن است دیگران سرعتت را کاهش دهند، اما ممکن است به سرعت بخشیدن به آنها کمک کنی. شاید این

بخشی از برنامه‌ی خدا برای ما باشد که با هم به‌عنوان افراد مسیحی زندگی کنیم!»

آشکار شدن جلال خداوند

درنهایت، یک مسیحی باید برای جلال خدا به کلیسا بپیوندد. پطرس به برخی از مسیحیان اولیه نوشت: «در میان مشرکان چنان زندگی خوبی داشته باشید که اگرچه آنها شما را به انجام کارهای نادرست متهم می‌کنند، اعمال نیک شما را ببینند و خدا را در روزی که ما را ملاقات می‌کند، جلال دهند.»⁸⁰ شگفت‌انگیز است، این‌طور نیست؟ اما باز هم می‌توانید بگویید که پطرس تعالیم استادش را شنیده بود. آنچه عیسی در موعظه‌ی سرکوه تعلیم داده بود را به خاطر بیاورید. «بگذارید نور شما بر مردم بتابد تا اعمال نیک شما را ببینند و پدر شما را که در آسمان است ستایش کنند.»⁸¹ باز هم، به نظر می‌رسد فرض شگفت‌انگیز این است که خدا جلال را برای کارهای خوب ما دریافت خواهد کرد. اگر این موضوع در مورد زندگی انفرادی ما صادق است، پس نباید خیلی تعجب‌آور باشد که کلام خدا آن را در مورد زندگی مشترک ما به‌عنوان جماعت مسیحی نیز صادق دانسته است. خدا در نظر دارد با همان روشی که ما یکدیگر را دوست داریم ما را به‌عنوان پیروان مسیح معرفی کند. سخنان معروف عیسی را به خاطر بیاورید: «به شما فرمان جدیدی می‌دهم: یکدیگر را محبت کنید. همان‌طور که من شما را دوست داشتم، شما نیز باید یکدیگر را دوست داشته باشید. همه مردم خواهند دانست که شما شاگردان من هستید اگر یکدیگر را دوست داشته باشید.»⁸² زندگی مشترک ما برای این

80- اول پطرس ۲:۱۲

81- متی ۵:۱۶

82- انجیل یوحنا ۳۵-۳۴: ۱۳

است که ما را به عنوان پیروان او مشخص کند و برای او ستایش و جلال بیاورد.

نشانه‌های عضویت کلیسا

با توجه به اینکه ما در این دنیای سقوط کرده، زندگی می‌کنیم و با آن در ارتباط هستیم، چگونه می‌توانیم تعیین کنیم که چه کسی عضو یک کلیساست و چه کسی نیست؟ چه کسی داخل و چه کسی بیرون است؟

اول، برای عضویت در یک کلیسا، باید به عنوان یک ایماندار در اعتراف به گناهان خود غسل تعمید بگیرید و تنها به مسیح برای نجات خود اعتماد کنید. کتاب مقدس در متی ۲۸ دستور واضح عیسی را برای تعمید کسانی که شاگرد می‌شوند ذکر می‌کند. در سراسر کتاب اعمال رسولان می‌بینیم که شاگردان، این فرمان را درک کرده و به آن عمل کرده‌اند.

ما بر این باوریم که تعمید برای کسانی محفوظ است که آگاهانه به مسیح ایمان دارند. به همین دلیل، ما معتقدیم که انجام تعمید نوزادان یک اشتباه درآموزه است. بگذارید پنج دلیل برای این باور بیاورم.

1. هیچ کس با تعمید مؤمن مخالف نیست. نکته مورد بحث غسل تعمید نوزاد است.
2. در عهدجدید هیچ نمونه‌ی روشنی از تعمید نوزاد وجود ندارد.
3. در عهدجدید تعلیم مشخصی در مورد تعمید نوزاد وجود ندارد.

4. عهدجدید هیچ جا نمونه‌ای از ختنه بدنی با تعمید فیزیکی را آموزش نمی‌دهد. درواقع، کولسیان ۲ دقیقاً ختنه روحانی را با تعمید جسمانی، یعنی ختنه قلب با تعمید جسمانی، مشابهت می‌کند. این امر، تنها از ایده غسل تعمید کسانی حمایت می‌کند که مدرکی مبنی بر تولد دوباره دارند.

5. از لحاظ تاریخی، تعمید نوزاد در دوره‌ی عهدجدید و در «Didache»⁸³ در اوایل قرن دوم، وجود ندارد. در قرن اول و حتی در قرن دوم هیچ گزارش قطعی از آن یافت نشده است. در قرن سوم، سوابق مشخصی از تعمید نوزاد وجود دارد، اما آن تعمید نوزادی نیست که برخی از دوستان پروتستان اصلاح‌شده ما آموزش می‌دهند. این بیشتر همان چیزی است که کلیسای کاتولیک رومی اکنون می‌آموزد - که غسل تعمید درواقع بر تولد دوباره، بازسازی و نجات ما تأثیر می‌گذارد - ایده غسل تعمید نوزاد که برخی از دوستان اصلاح‌گرای پروتستان ما آموزش می‌دهند، درواقع تا زمانی که پروتستان‌های دیگر در دهه ۱۵۲۰ دوباره شیوه تعمید ایمانداران را معرفی کردند، ظاهر نشد. درواقع این هالدیش زوینگلی است که ایده غسل تعمید نوزاد را که نجات بخش یا بازسازی کننده نیست، پیشگامانه مطرح می‌کند.

83- دیداکه (تلفظ درست‌تر یونانی دیداخه: Διδαχή) با آموزه‌ی دوازده پیام‌آور، از رساله‌های اولیه و کوتاه مسیحی است که بیشتر پژوهندگان، آن را متعلق به اواخر سده یکم یا اوایل سده دوم میلادی می‌دانند. دیداکه قدیمی‌ترین دستورالعمل موجود در مورد انضباط کلیسایی است که برای مسیحیان نوکیش نگارش شده است. این کتابچه که محتوای آن را به پدران پیام‌آور (آباء رسول) مسیح نسبت می‌دهند توسط مؤلفی ناشناس در سوریه و به زبان یونانی نوشته شده است. واژه یونانی دیداخه به معنای «آموزه» است. متن دیداکه که بخشی از آن قدیمی‌ترین کتابچه راهنمای تعلیمات دینی مسیحیت را تشکیل می‌دهد، از سه بخش تشکیل شده است. این سه بخش به موضوعات اخلاق مسیحی، آیین‌هایی مانند غسل تعمید و عشاءربانی، و سازمان‌دهی کلیسا می‌پردازند. دیداکه از نمونه‌های آغازین متون معروف به دستورنامه‌های کهن کلیسا به‌شمار می‌آید. در اواخر سده چهارم میلادی که کتب قانونی عهدجدید تدوین می‌شد، کتاب دیداکه نیز برای قرارگیری در فهرست این کتب پیشنهاد شد و اما به این دلیل که نویسنده آن از زمره پیام‌وران تراز اول نبود، این پیشنهاد پذیرفته نشد. مترجم

به نظر می‌رسد فرض پولس در نامه‌های خود این است، کسانی که تعمید می‌گیرند زندگی جدیدی را تجربه⁸⁴ و قلب خود را ختنه کرده‌اند⁸⁵. بنابراین، غسل تعمید برای عضویت در یک کلیسا ضروری است، زیرا اگر کسی بخواهد توسط یک کلیسا پذیرفته شود، می‌بایست تعمید بگیرد. در واقع امتناع از گرفتن تعمید سرپیچی از ساده‌ترین فرمان عیسی است.

عضویت در یک کلیسا باید به معنای حضور در عشاء ربّانی باشد. این اساساً به این معنی است که شما به عنوان یک مسیحی به راه خود ادامه می‌دهید. کتاب مقدس دستورات عیسی به شاگردانش در مورد نان و شراب (عشاء ربّانی) را این‌طور بیان می‌کند: چون هنوز مشغول خوردن بودند، عیسی نان را برگرفت و پس از شکرگزاری، پاره کرد و به شاگردان داد و فرمود: «بگیرید، بخورید؛ این است بدن من» سپس جام را برگرفت و پس از شکرگزاری آن را به شاگردان داد و گفت: «همه‌ی شما از این بنوشید. این است خون من برای عهد جدید که به خاطر بسیاری به جهت آمرزش گناهان ریخته می‌شود.»⁸⁶ همین‌طور ما از نامه اول پولس به قرنطیان می‌دانیم که این کار در آن زمان انجام می‌شد و از آن زمان تاکنون نیز ادامه دارد. حضور اعضای کلیسا در عشاء خداوند، ظاهر نمادین کلیسا به عنوان گردهمایی کسانی است که با ایمان از مسیح تغذیه می‌کنند.

عضویت در یک کلیسا باید به معنای حضور منظم در جلسات عمومی باشد. حضور شاید اساسی‌ترین خدمت ما نسبت به یکدیگر باشد. همان‌طور که در عبرانیان ۱۰:۲۵ اغلب از آنها نقل قول می‌شود، می‌گوید: «از گردآمدن با یکدیگر دست نکشیم، چنانکه بعضی را عادت شده است،

84- رومیان ۶

85- کولسیان ۲

86- متی ۲۶

بلکه یکدیگر را بیشتر تشویق کنیم به خصوص اکنون که شاهد نزدیکتر شدن آن روز هستیم.»

اگر عهد جدید از تصویر کلیسا به عنوان ساختمان استفاده می‌کند، پس ما باید در آن آجر باشیم. اگر کلیسا یک بدن است، پس ما اعضای آن هستیم. اگر کلیسا خانواده‌ی ایمانی باشد، پیش فرض این است که ما بخشی از آن خانواده هستیم. گوسفندها در گله هستند و شاخه‌ها روی تاک. از نظر کتاب مقدس، اگر کسی مسیحی است، باید عضو یک کلیسا باشد. این عضویت صرفاً به خاطر لحظه‌ای نیست که اعلام کرده‌ایم به عیسی مسیح ایمان داریم و یا احساس محبت و نزدیکی که یک زمانی نسبت به یک مکان داشته‌ایم. عضویت باید انعکاس یک تعهد زنده و یک حضور منظم باشد، در غیر این صورت، فقط انجام عمل مذهبی خواهد بود.

بعضی از افراد شرکت کننده که عضو کلیسا نیستند، هم اعضای واقعی و هم غیر مسیحیان را در مورد معنای مسیحی بودن گمراه می‌کنند. ما اعضای «فعال» وقتی به اعضای «غیرفعال» داوطلبانه اجازه می‌دهیم عضو کلیسا بمانند، هیچ خدمتی نمی‌کنیم. زیرا عضویت، حمایت کلیسا از نجات یک فرد است. ما باید این را درک کنیم که عضویت در یک کلیسا گواهی جماعت کلیسا برای رستگاری یک عضو است. با این حال، چگونه یک جماعت می‌تواند در مورد کسی که حضور ندارد و نامرئی است، صادقانه شهادت دهد که، صادقانه مسیح‌گونه مسابقه خود را به پایان می‌رساند؟

در کلیسا، ما دائماً سعی می‌کنیم به کسانی که به سادگی از حضور در کلیسا دور شده‌اند، توجه بیشتری داشته باشیم، تلاش می‌کنیم یا آنها را برگردانیم یا به‌طور خاص از آنها مراقبت کنیم (در صورتی که آنها در ارتش یا دانشگاه هستند یا قادر به ترک خانه به دلیل بیماری نیستند) اگر کسی بتواند در کلیسای دیگری به‌طور مرتب شرکت کند، سعی می‌کنیم او

را تشویق کنیم تا در اسرع وقت از عضویت در کلیسای ما خارج شود و به کلیسایی بپیوندد که بتواند به‌طور منظم در آنجا حضور داشته باشد.

یکی دیگر از جنبه‌های واضح عضویت در یک کلیسا که به آن اشاره کردم موضوع نظم و انضباط است. از تعلیم عیسی در متی ۱۸ تا آموزش پولس در اول قرنتیان ۵ و غلاطیان ۶، همگی از جمله وظایف خانواده‌ی کلیسای محلی در ترسیم مرزهایی است برای افرادی که خود، تمایلی به عضویت در کلیسا ندارند. برای اطلاعات بیشتر در مورد این موضوع حیاتی اما نادیده گرفته شده، به کار «جی آدامز»، کتاب راهنمای نظم و انضباط کلیسایی مراجعه کنید⁸⁷. آدامز از دیدگاه پرزبیتری به موضوع می‌پردازد، در حالی که جلد دوم از این مجموعه ده جلدی مربوط به کلیسای تعمیدی است. با این‌که این دو کتاب به موضوع نظم و انضباط از دو دیدگاه متفاوت رهبری در کلیسا می‌پردازند، در عین حال توافق قابل توجهی بین آنها در این مورد وجود دارد. هر دو اثر باید برای هر کشیش یا رهبر کلیسا مفید باشد.

عشق باید در کسانی که اعضای کلیسا هستند دیده شود. در یوحنا ۱۳ عیسی به شاگردان خود گفت: «به شما فرمان جدیدی می‌دهم: یکدیگر را محبت کنید. همان‌طور که من شما را دوست داشتم، شما نیز باید یکدیگر را دوست داشته باشید. همه‌ی مردم خواهند دانست که شما شاگردان من هستید، اگر یکدیگر را دوست داشته باشید.»⁸⁸

اگر کسی تصمیم بگیرد که بدون داشتن روابط متعهدانه‌ی محبت‌آمیز با سایر مسیحیان، خود را مسیحی بنامد، باید به دقت آنچه را که در اول یوحنا می‌خوانیم، بررسی کنیم. «اگر کسی بگوید خدا را دوست

87- (Zondervan, 1986), Mark Dever, Polity: Biblical Arguments on How to Conduct Life Church (9Marks Ministries, 2001)

دارد»، اما از برادر خود متنفّر باشد، او دروغ‌گوست. زیرا هر کس برادر خود را که او را دیده دوست نداشته باشد، نمی‌تواند خدایی را که او را ندیده دوست داشته باشد.⁸⁹ با توجه به تمایل ما به فریب دادن خود، بیش از حد بها دادن به خوبی‌های خودمان، خدا را شکر می‌کنیم که چنین خودآزمایی‌هایی را در مورد غرور و خودبزرگبینی به ما داده است! محبت کردن و محبت شدن مسیحی به وضوح بخشی از آموزه‌های کتاب‌مقدس به معنای عضویت در یک کلیساست که ما سعی می‌کنیم آن را به هر طریق انجام دهیم، از اختصاص یک دهم از درآمد خود برای حمایت از خدمت، تا سلام گرم به کسانی که نمی‌شناسیم.

بسیاری چیزهای دیگر از این دست در یک کلیسای محلی وجود دارند. برای مثال، ما از اعضای کلیسای خود می‌خواهیم که بیانیه ایمان و عهدنامه‌ای را امضا کنند - بیانیه‌ای که نشان می‌دهد آن شخص در میان ما چگونه عمل خواهد کرد - ما انتظار داریم که اعضا برای کلیسا دعا کنند، از نظر مالی کلیسا را حمایت کنند و در خدمات کلیسا مشارکت داشته باشند. غسل تعمید، حضور در عشاء ربّانی، اعمال انضباط، تشویق ایمانداران و عشق ورزیدن به آنها مواردی از معنای عضویت کلیسای محلی است.

بنابراین، دوست مسیحی من، تنها در یک کلیسا شرکت نکنید (البته باید در آن شرکت کنید)، بلکه به یک کلیسا بپیوندید. بازوها را با مسیحیان دیگر پیوند دهید. کلیسایی را پیدا کنید که بتوانید به آن ملحق شوید و این کار را انجام دهید تا غیر مسیحیان، انجیل را بشنوند و ببینند، تا مسیحیان ضعیف مورد مراقبت قرار گیرند، تا مسیحیان قوی انرژی خود را به خوبی هدایت کنند، به‌طوری که رهبران کلیسا تشویق شوند و در نهایت خداوند جلال یابد.

نتیجه‌گیری

اگر می‌خواهید بیشتر متوجه شوید که زندگی مشترک به‌عنوان یک کلیسا چیست، نامه‌ی اول پولس به قرن‌تین نامه‌ی فوق‌العاده‌ای است که می‌توانید آن را بخوانید و درمورد آن تعمق کنید. آنچه می‌یابید آن است که ما به‌عنوان یک کلیسا باید به‌ویژه با تقدس، وحدت و عشق مشخص شویم.

چرا کلیسا باید این گونه باشد؟ زیرا شخصیت کلیسا منعکس‌کننده‌ی شخصیت خداست. ما باید مقدس و متحد باشیم و اساساً عاشق باشیم زیرا خدا این گونه است. ما باید مقدس باشیم زیرا خدا مقدس است. ما باید متحد باشیم زیرا خدا یکی است. ما باید عاشق باشیم زیرا خدا عشق است.

اولاً، ما باید مقدس باشیم به این معنا که ما برگزیدگان خداوند در این جهان هستیم. ما باید پاک باشیم، قدوسیت باید صفتی باشد که کلیسا را مشخص می‌کند. این نشانه‌ی ماست. این چیزی است که باید در بین ما رایج و معمولی باشد. وقتی کسی کلیسای ما را در نظر می‌گیرد، باید فکر کند: «این یک جامعه‌ی مقدس است» نه به معنای یک دسته از افراد خودپسند و متکبر، بلکه جامعه‌ای از مردم که قلب‌های خود را معطوف به مسیح و جلال او کرده‌اند نتیجه این است که به شیوه‌ای بهتر، انسانی‌تر و خداپسندانه‌تر زندگی می‌کنند. به همین دلیل است که همه این موارد

عضویت، تدریس، نظم و انضباط مهم است. باید مقدس باشیم زیرا خدا مقدس است.

همچنین، باید متحد باشیم زیرا خدا یکی است. اول قرن‌تینان فصل یک بسیار جالب است که پولس رسول از نظر الهیاتی به این موضوع می‌پردازد که گزارش بدی از تقسیمات و جناح‌های مختلف در کلیسا شنیده است. به سؤالی که او در پرتو تقسیمات آنها در اول قرن‌تینان ۱:۱۳ می‌پرسد نگاه کنید: «آیا مسیح تقسیم شده است؟» چه سؤال جذابی! وقتی به آن فکر می‌کنید، هیچ کلیسای محلی مبنای دیگری برای وجود ندارد. وقتی پولس به تقسیمات کلیسای محلی نگاه می‌کند و سپس رو می‌کند و می‌پرسد: «آیا مسیح تقسیم شده است؟» فرض قوی الهیات پشت آن این است که کلیسا بدن مسیح است. این ایده به ما یادآوری می‌کند که مسئولیت خطیری در قبال انعکاس تصویری درست از خداوند برای ما وجود دارد. تقسیم‌بندی‌های ما جدیت بیشتری پیدا می‌کنند، زیرا هر کاری که انجام دهیم و هر تصمیمی که بگیریم در واقع انعکاس دهنده‌ی تصویر خدایی است که ما را به صورت خود آفرید. نفاق ما واقعاً دروغی است درباره‌ی خدا و این که او چگونه است.

همان‌طور که پولس گفت: «شما بدن مسیح هستید و هر یک از شما بخشی از آن هستید.»⁹⁰ فکر می‌کنید پولس این ایده را از کجا آورد؟ فکر می‌کنم او در همان لحظه‌ای که ایمان آورد به آن دست یافت. در اعمال رسولان ۹، هنگامی که پولس با ظهور مسیح برخاسته و متوقف شد، او در راه بود تا مسیحیان دمشق را آزار دهد. مسیح به او چه گفت؟ «شائول، شائول، چرا مسیحیان را آزار می‌دهی؟»، نه! «شائول، شائول، چرا کلیسا را آزار می‌دهی؟»، نه! او گفت: «شائول، شائول، چرا به من جفا

می‌کنی؟». ارتباط عیسی با کلیسای خود این گونه است. او آن را بدن خود می‌بیند و ما را اعضای آن بدن!

یکی از دلایل اصلی که ما در اول قرن‌تین دعوت شده‌ایم تا از شر کسانی که بیش از مسیح مرتکب گناهانشان شده‌اند، «رها» شویم، این است که باید متحد باشیم. قرار بود وحدت، یکی از ویژگی‌های کلیسا باشد. این وحدت باید از تقسیمات قدیمی یهودی و غیریهودی فراتر رود همراه با سایر تقسیمات دنیوی⁹¹. به همین دلیل است که پولس از گزارش اختلافات در کلیسا بسیار ناراحت شد. حتی در عید وحدت آنها - عشای ربّانی - آنان از هم جدا شدند. وقتی کلیساها به دلایل نفسانی تقسیم می‌شوند، ما شروع به پرداختن به چیزهای دیگر می‌کنیم. ما تبدیل می‌شویم به کلیسای فلان سبک پرستشی یا کلیسای فلان کشیش، یا کلیسای خانگی، یا کلیسای روشنفکران این گونه تقسیم بندی‌ها با وحدت واقعی مسیحی متفاوت است. کلیسا باید متحد شود.

در نهایت، ما باید عاشق باشیم زیرا خدا محبت می‌کند. تنها راهی که می‌توانیم با هم متحد شویم، عشق است. پولس می‌نویسد: «همه‌ی ما اشخاص دانایی هستیم، این باعث می‌شود انسان دچار تکبر و غرور شود. اما آنچه موجب استحکام روحانی کلیسا می‌گردد، محبت است و نه دانش.»⁹² این مبنای پولس برای سفر بزرگ او در فصل‌های ۸ الی ۱۴ می‌شود که اجازه می‌دهد عشق و توجه به دیگران، حاکم بر کاری باشد که باید انجام دهد. پولس در دل، عشق به کلیسای خدا داشت. بنابراین او در ۱۴:۲۶ نوشت: «همه چیز باید برای تقویت کلیسا انجام شود.» و در آیه ۳۱ می‌نویسد: «تا همه تعلیم بگیرند و تشویق و تقویت شوند.»

91- اول قرن‌تین ۷:۱۹

92- اول قرن‌تین ۸:۱

پولس به سلامت کلیسا کاملاً حساس بود، این طور نیست؟ پس جای تعجب نیست که وقتی به اول قرن‌تینان ۹:۱۵ نگاه می‌کنیم و تاریخ او را به یاد می‌آوریم، «زیرا من کوچک‌ترین رسول هستم و حتی سزاوار نیستم که رسول خوانده شوم، زیرا کلیسای خدا را جفا کردم.» مطمئناً می‌توانیم ببینیم که چرا خدا از چنین مردی استفاده می‌کند تا به ما بیاموزد، همان‌طور که در اول قرن‌تینان ۱۴:۱۶ می‌گوید: «هر کاری را با عشق انجام دهید.»

محبتی را در نظر بگیرید که مسیح با ریختن خون خود و تقدیم بدن خود برای ما نشان داده است.⁹³ مسیحیان این را از قدیم‌الایام می‌دانستند. بنابراین ما در اول قرن‌تینان ۵-۳: ۱۵، نوعی عقیده اولیه کلیسا را می‌خوانیم. در ۳: ۱۵، «مسیح برای گناهان ما مرد.»⁹⁴

یکی از بخش‌های به‌ویژه جالب این عشق، توجه به کلیساهای دیگری است که آن‌ها داشتند و پولس خواستار آن بود. از همان آغاز نامه، آنها نمی‌توانستند این را یادآوری نکنند: پولس به قرن‌تینان می‌نویسد: «همه‌ی مسیحیان را که در هر جای دیگر نام خداوند ما عیسی مسیح را می‌خوانند، که خداوند ما و خداوند ایشان است، توسط مسیح عیسی تقدیس کرده است.»⁹⁵ پولس چنین رفتاری با آنها داشت. بنابراین در اول قرن‌تینان ۱۷: ۴، می‌بینیم که پولس تیموتائوس محبوب خود را نزد آنها می‌فرستد. سپس در فصل آخر، در ۴-۱: ۱۶، پولس به آنها نوشت: «برای تمام قوم خداوند.» مسیحیان اولیه عاشق بودند و سعی می‌کردند راهی برای کمک به دیگران بیابند. آیا کلیسای ما با چنین عشقی مشخص شده است؟ کلیسا باید محبت کند زیرا خدا محبت می‌کند.

93- اول قرن‌تینان ۲۳-۲۶: ۱۱

94- رومیان ۸-۶: ۵؛ غلاطیان ۲: ۲۱؛ اول پطرس ۳: ۱۸

95- اول قرن‌تینان ۲: ۱

کلیسا باید نمایش محبت خدا در میان این دنیای آشفته، گناه آلود و خودخواه باشد. آیا ما این هستیم؟ آیا ما به عنوان یک کلیسا شخصیت خدا را نشان می‌دهیم؟

این همان زبانی است که در عهدجدید درباره‌ی کلیسا می‌یابیم! در افسسیان می‌خوانیم: «مسیح کلیسا را دوست داشت و خود را برای او تسلیم کرد.»⁹⁶ اعمال رسولان ۲۸:۲۰ به ما می‌آموزد که خدا خود را برای کلیسایش داد. او کلیسای خود را با خون خود خرید. اگر ما پیروان او باشیم، ما نیز کلیسایی را که مسیح، خود را به خاطر آن بخشیده دوست خواهیم داشت. چرا خدا این قدر به کلیسا اهمیت می‌دهد؟ زیرا از طریق کلیسا او جلال پیدا می‌کند.

یکی از جالب‌ترین جملات عهدجدید برای من، اول قرن‌تینان ۱۹:۱۵ است که در آن پولس می‌گوید: «اگر امید ما به مسیح فقط برای زندگی در این دنیا باشد، از تمام مردم دنیا بدبخت‌تریم.» این یک جمله بسیار مهم برای مسیحیان به اشتباه راضی و خشنود است. امروزه بسیاری از کلیساها نسخه‌ای از مسیحیت را ارائه می‌دهند که در آن همه‌ی رنج‌ها جبران می‌شود، همه‌ی قربانی‌ها پاداش می‌گیرند، همه‌ی اسرار توضیح داده می‌شوند. اما این، انجیلی نیست که پولس تعلیم داد. در واقع، این انجیل خداوند ما مسیح نیست. و این نباید انجیل کلیساهای ما باشد. زندگی یک مسیحی را در این سمت از ابدیت و فقط در زندگی این دنیا نمی‌توان خلاصه کرد. مسیح این کار را نکرد. پولس این کار را نکرد. ما هم نباید این کار را بکنیم!

سرانجام، می‌بینید که پولس کاری که به خاطر انجیل باید انجام می‌داد را انجام داد.⁹⁷ آیا به همین دلیل است که کلیسای ما همان کاری

96- افسسیان ۵:۲۵

97- اول قرن‌تینان ۹:۲۳ را ببینید

که می‌بایست انجام دهد را انجام می‌دهد؟ اگر می‌خواهیم آن جماعتی باشیم که خدا می‌خواهد، و جلال خدا را به ارمغان می‌آورد، باید جماعتی باشیم که در همه چیز از پیام انجیل گرفته تا زندگی‌هایمان با عشق فداکارانه نسبت به یکدیگر همراه باشیم، باید نگاهمان به این امید نهایی معطوف باشد.⁹⁸ فقط با وفادار بودن به انجیل او، می‌توانیم خدای بزرگمان را جلال دهیم!

می‌بینید، این همان کاری است که خدا در کلیسا انجام می‌دهد! پولس گفت: خدا چیزهای پست و حقیر این جهان را برگزید و چیزهایی را که بی‌ارزش هستند، تا هیچ کس در حضور او فخر نکند.⁹⁹ آیا می‌دانید چرا خدا از افرادی مانند من و شما استفاده می‌کند، چیزهایی که ظاهراً مانند کلیسا ضعیف هستند؟ زیرا خداوند به هیچ وجه نمی‌خواهد باعث ابهام و سردرگمی ما شود!

در کنفرانسی که چند سال پیش در آن شرکت کردم، شنیدم که «مارکراس»¹⁰⁰ از کلیسای پرزبیتریان، در کلمبیا، ایالت کارولینای جنوبی این نکته را بیان می‌کرد که: «ما یکی از شواهد اصلی خدا هستیم.» او ادامه داد: «نگرانی بزرگ پولس در افسسیان ۱:۴-۱۶ برای کلیسا» این است که کلیسا جلال خدا را آشکار و به نمایش می‌گذارد، بدین ترتیب شخصیت خدا را در برابر همه‌ی تهمت‌های قلمروهای اهریمنی، تهمت‌هایی که خدا ارزش زندگی برای آن را ندارد، اثبات می‌کند. خدا جلال نام خود را به کلیسای خود سپرده است. شرایط زندگی شما، فرصت خدادادی شما برای تجلی صفات الهی است.

98- عبرانیان ۱۰:۳۴ را ببینید.

99- در اول قرن‌تین ۲۹-۲۸: ۱

اگر مراقب نباشیم، فردگرایی ما پناهگاهی خواهد شد برای این‌که گناه را مخفی کند و در هاله‌ای قدوسیت خود را نشان دهد. خودخواهی ما می‌تواند ما را به یک وحدت شبه مسیحی هدایت کند که بر عدم وحدت در مورد انجیل تأکید می‌کند و حول چیزهای کوچک‌تر دیگر متحد می‌شود. حتی جسم ما می‌تواند عشقی شبه مسیحی را بشناسد که فقط یک احساس است، داشتن یک احساس خانوادگی چون همه ما مدت زیادی با هم بوده‌ایم. اما دوستان! هیچ یک از این چیزها نباید مشخصه‌ی کلیسای ما باشد، زیرا همه این چیزها در مورد خداست. این موارد شخصیت او را به نادرستی معرفی می‌کنند. قدوسیت واقعی شامل انضباط و وحدت واقعی فقط حول مسیح خواهد بود و تنوع کلیسا شاهی بر این خواهد بود. عشق واقعی عمیق‌تر از احساسات و فراتر از مرزهای طبیعی، به خاطر مسیح به سوی بی‌ایمانان خواهد رفت و آنها را به مسیح دعوت می‌کند. این گونه است که جلال خدا در کلیسا نمایان می‌شود. این تنها راهی است که یک کلیسا واقعاً موفق می‌شود.

پس چگونه جلال خدا را به نمایش بگذاریم؟ با سازماندهی کلیساهایمان بر اساس الگویی که در کلام خود به ما نشان داده است. با زندگی برای او، با زندگی خالصانه، وحدت و عشق. این چیزی است که کلیسا به آن اختصاص دارد.

آیا شما چنین هستید؟



آیا کلیسای شما سالم است؟

موسسه 9Marks با هدف تجهیز رهبران کلیسا تأسیس شده است تا از طریق ارائه دیدگاهی مبتنی بر کتاب مقدس و فراهم ساختن منابعی کاربردی، کلیساها را در جهت نمایش جلال خدا به تمامی قومها یاری رساند.

در همین راستا، تمام سعی و تلاش ما این است که کلیساها را در رشد و تقویت این «نه نشانه سلامت»، که غالباً مورد غفلت قرار می‌گیرند، همراهی کنیم:

۱. موعظه تشریحی
۲. الهیات صحیح و مبتنی بر کتاب مقدس
۳. درک درست از تبدیل و بشارت
۴. عضویت در کلیسا
۵. انضباط و تأدیب کلیسایی
۶. شاگردسازی و رشد روحانی
۷. رهبری کلیسا
۸. درک درست دعا
۹. بشارت برون مرزی

در وبسایت 9Marks، مقالات، کتابها، نقدهای کتاب و یک نشریه آنلاین منتشر می‌شود. همچنین می‌توانید کنفرانس‌های برگزار شده و مصاحبه‌ها تهیه‌شده را مشاهده کنید. این منابع متنوع تولید می‌شود تا کلیساها برای بازتاب هرچه شایسته‌تر جلال خداوند تجهیز شوند.

برای دسترسی به مطالب به بیش از ۶۰ زبان مختلف و ثبت‌نام جهت دریافت رایگان مجله آنلاین ما، به وبسایت ما مراجعه کنید. فهرست کامل وبسایت‌های ما به زبان‌های دیگر در اینجا در دسترس است:
9marks.org/international

انتشار چنین کتاب‌هایی با سرمایه گذاری سخاوتمندانه خیرین ممکن می‌گردد.

هرگونه هدیه به مجموعه «9Marks» به راهنران کلیسا در سراسر جهان یاری می‌رساند تا بتوانند با دیدگاهی براساس کتاب‌مقدس، کلیساهای سالم را با در دست داشتن منابع عملی برای تجلی جلال خدا مجهز کنند.

اهدا در: www.9marks.org/donate

یا ارسال چک‌های قابل پرداخت به «9Marks» و پست به:

9Marks

525 A St. NE

Washington, DC 20002

نمایشی از

جلال

خداوند

این کتاب کوتاه، روان و کاربردی، به بررسی ساختار کلیسا از دیدگاه کتاب مقدس می‌پردازد و موضوعاتی همچون کشیشان (ناظران)، شماسان، جماعت‌گرایی و عضویت در کلیسای محلی را مورد توجه قرار می‌دهد. نویسنده با ارائه الگویی مبتنی بر تعالیم کتاب مقدس، در پی آن است که موجب بنای کلیسا شده و فضایی سالم و استوار برای مواجهه با چالش‌ها و فشارهای زندگی جماعتی کلیسا فراهم آورد.

مارک دور، شبان ارشد کلیسای باپتیست کپیتال هیل در واشنگتن دی.سی. است. او مدرک دکترای الهیات خود را از دانشگاه کمبریج دریافت کرده و در حال حاضر ریاست سازمان ناین مارکس را بر عهده دارد.

وی نویسندهٔ بیش از دوازده کتاب است و در کنفرانس‌های گوناگون در سراسر ایالات متحده آمریکا به سخنرانی می‌پردازد.

